

ویژه‌نامه گفتگوهای مسیر پیشرفت - شماره ۶  
تهیه شده در اندیشکده اقتصاد مقاومتی  
مرداد ماه ۱۴۰۲



# تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها



گزارش مشروح از ۴ نشست تخصصی

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا  
وَأَن هَا كِه دَر رَاه مَا (بَا خَلُوص نِيَت) جِهَاد كِنَنَد، قَطْعَا بِه  
رَاهَاي خُود، هِدَايَتَشَان خَوَاهِيم كَرَد.



# ویژه نامه گفتگوهای مسیر پیشرفت

شماره ۶

موضوع: تورم؛ ریشه ها و راهکارها

صاحب امتیاز: اندیشکده اقتصاد مقاومتی

شورای علمی: محمد قائدامینی، سیدمحمد نبی زاده

سردبیر: محمدمهدی تاجیک

مردادماه ۱۴۰۲

اندیشکده اقتصاد مقاومتی یک کانون تفکر است که در سال ۱۳۹۵ آغاز به کار نمود و با ماموریت «تصمیم‌سازی برای حل مسائل کشور در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی» فعالیت می‌کند.

مطابق با تعریف اندیشکده، اقتصاد مقاومتی یک «الگوی حکمرانی اقتصادی» است، به این معنا که سیاست‌ها، قوانین، قواعد و اقدامات طوری طراحی شود که اقتصاد کشور با کمترین اثرپذیری از تکان‌های داخلی و خارجی، رشد و پیشرفت پایدار داشته باشد.

«ترسیم وضع مطلوب با استفاده از منابعی همچون مبانی انقلاب اسلامی و قانون اساسی»، «توصیف وضع موجود مبتنی بر واقعیت‌های میدانی»، «شناسایی شبکه مسائل در هر حوزه موضوعی و طراحی راهکار عملیاتی برای حل آن مبتنی بر مطالعه، کسب مشورت از خبرگان و بررسی تجربیات جهانی»، «ترویج مباحث در فضای عمومی» و «پیگیری از دستگاه‌ها و مسئولین مرتبط به منظور اتخاذ تصمیمات لازم» فعالیت‌هایی است که در اندیشکده انجام می‌شود.

یکی از برنامه‌های اندیشکده که با هدف «بهبود کیفیت تصمیم‌گیری در کشور» اجرا می‌شود «گفتگوهای مسیر پیشرفت» است. ویژه‌نامه حاضر، مشتمل بر گزارش مشروح ۴ نشست تخصصی با موضوع «تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها» است که در چارچوب گفتگوهای مسیر پیشرفت، در اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۲ در همکاری میان اندیشکده اقتصاد مقاومتی و دیگر مجموعه‌های پژوهشی و دستگاه‌های اجرایی برگزار شد.

علاقه‌مندان می‌توانند از طریق سایت [Mett.ir](http://Mett.ir) با اندیشکده اقتصاد مقاومتی در ارتباط باشند و نظرات، پیشنهادهای و انتقادات خود را در خصوص فعالیت‌های اندیشکده ارائه نمایند.

**اندیشکده اقتصاد مقاومتی**

**مردادماه ۱۴۰۲**

نوسان قیمت‌ها و بی‌ثباتی آن به یکی از معضلات اقتصاد ایران تبدیل شده است، به گونه‌ای که در بسیاری از نظرسنجی‌ها تورم در صدر مهم‌ترین مشکلات مردم قرار گرفته است. بنابراین مهار تورم، به خصوص تورم‌های بالا و شوک‌وار از جهت آثار سوئی که بر اقتصاد و جامعه دارد، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران بوده است و به همین خاطر، رهبر انقلاب شعار سال ۱۴۰۲ را به این موضوع اختصاص دادند.

اقتصاد ایران از دهه ۵۰ تاکنون علیرغم روی کار آمدن دولت‌های متنوع و اجرای سیاست‌های مختلف، هنوز موفق به مهار پایدار تورم نشده است. لذا شناخت ماهیت و ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران و آسیب‌شناسی سیاست‌های اجرا شده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین منظور، اندیشکده اقتصاد مقاومتی با همکاری معاونت سیاست‌گذاری وزارت امور اقتصادی و دارایی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد و خانه اندیشه‌ورزان ایران، اقدام به برگزاری یک سلسله نشست تخصصی برای بررسی جوانب این موضوع کرد. این سلسله نشست در چارچوب «گفتگوهای مسیر پیشرفت» با حضور مسئولان و کارشناسان مرتبط، طی ۴ جلسه در بازه اردیبهشت الی خرداد ۱۴۰۲ برگزار گردید که خلاصه‌ای از آن در ادامه آمده است.

### سیاست‌گذاری مهار تورم در مختصات اقتصاد ایران

اولین نشست از سلسله نشست «تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها» با موضوع «سیاست‌گذاری مهار تورم در مختصات اقتصاد ایران» با میزبانی خانه اندیشه‌ورزان ایران برگزار شد. در ابتدای این نشست صاحب‌نظران ضمن تفکیک تورم متوسط و بلندمدت از جهش‌های تورمی،

بیان کردند که در یک روند بلندمدت، نظام سیاسی و اجتماعی ایران دچار یک اضافه‌بار<sup>۱</sup> شده است، به این معنا که اهداف، مسئولیت‌ها و تعهداتی که برای خود ایجاد کرده فراتر از ظرفیت و توان او است. انعکاس این امر در اقتصاد به این صورت می‌شود که ما بیش از میزانی که یک اقتصاد اجازه می‌دهد، از کانال‌های مختلف قدرت خرید ایجاد می‌کنیم. این مسئله، تورم‌های میانگین و بلندمدت را توضیح می‌دهد؛ اما ماهیت جهش‌های تورمی بالاتر از میانگین متفاوت از تورم متوسط و بلندمدت است، به گونه‌ای که این تکان‌ها در نقطه شروع، مستقل از نقدینگی و متاثر از ناترازی ارزی است که در نهایت براساس درونزایی پول، موجب تبعیت نقدینگی از تورم می‌شود.

در بخش دیگر این نشست، با تفکیک میان عوامل کوتاه‌مدت و بلندمدت تورم، چهار عامل به عنوان عوامل موثر در ایجاد تورم ذکر شد که عبارتند از: ناترازی مالی دولت، ناترازی بانک‌ها، ناترازی ارزی و انتظارات تورمی. در این بخش برای مقابله با اثر ناترازی‌های ذکر شده، سیاست‌گذاری پولی فعالانه در چارچوب «هدف‌گذاری ارزی»، «هدف‌گذاری پولی» و «هدف‌گذاری تورم» توصیه و بیان شد در اقتصادهایی که سیاست‌های پولی فعال وجود ندارند و نرخ ارز به عنوان لنگر اسمی تورم عمل می‌کند، این کانال، اثرگذاری بیشتری بر سطح عمومی قیمت‌ها دارد. پس سه ناترازی وجود دارد که اثر خود را بر سطح عمومی قیمت‌ها می‌گذارد و هر سه عامل در داخل این نظام اقتصادی، درونزا هستند. یک عامل هم عامل انتظارات است که می‌تواند حتی در صورت نبود هیچ گونه ناترازی، موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شود.

## جایگاه سیاست‌های پولی و ارزی در مهار تورم

نشست دوم با عنوان «جایگاه سیاست‌های پولی و ارزی در مهار تورم» با میزبانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در ابتدای این نشست، برخی کارشناسان

مهمترین عاملی که تورم مزمن را به اقتصاد ایران تحمیل کرده است «هزینه کرد بیش از درآمد» عنوان کردند و افزودند: در کسری بودجه دولت، ناترازی بانکها، تلاش برای سرکوب نرخ ارز و هزینه‌های بالای صندوق‌های بازنشستگی و تسهیلات شرکت‌ها، این هزینه کرد بیش از درآمد نمایان است که ریشه این پدیده نیز «زیست نفتی» دولت‌ها و «ضعف حکمرانی» در مقابله با بحران‌ها است. همچنین ضمن تاکید بر اینکه اثرگذاری نرخ ارز بر تورم در کوتاه مدت مورد اجماع کارشناسان است، بیان شد جلوگیری از اثر شوک‌های ارزی بر تورم با صرف تثبیت نرخ شدنی نیست و باید مجموعه اقداماتی برای این مهم در دستور کار قرار بگیرد که مداخله هوشمندانه در بازار، تعمیق بازار ارز و همچنین مهار کل‌های پولی از جمله آن‌هاست.

در بخش دیگری از نشست، ضمن پذیرش اینکه در حال حاضر رشد نقدینگی به مراتب بیشتر از کالاهای در دسترس در اقتصاد ایران است، بر نقش موثر شوک‌های طرف عرضه و به طور خاص شوک‌های ارزی بر تورم تاکید شد. لذا برای مهار تورم، هم مهار ترانزنامه بانک‌ها با هدف مهار رشد نقدینگی و هم رفع مشکل شوک‌های ارزی، از طریق احیای نظام پرداخت رسمی توصیه شد تا جریان ارزی کشور تحت مهار سیاست‌گذار قرار بگیرد؛ چرا که تجارت خارجی کشور از طریق حساب‌های تراسی انجام می‌شود که اعمال حاکمیت بر آن‌ها ممکن نیست.

در بخش پایانی این نشست صاحب‌نظران ضمن برشمردن ۵ عامل اثرگذار بر تورم در اقتصاد ایران یعنی «بدرفتاری‌های اقتصادی دولت و کسری بودجه»، «بدرفتاری بانک‌ها در خلق پول و اعطای تسهیلات»، «کیفیت سیاست‌های پولی بانک مرکزی»، «جهش‌های ارزی» و «انتظارات تورمی»، مهار شوک‌های تورمی را مهم‌تر از تلاش برای کاهش روند بلندمدت تورم عنوان کردند چرا که مهمترین اقدام برای تحقق این مهم مهار انتظارات از طریق مهار تکانه‌های تورمی است که نوسانات نرخ ارز نقشی اساسی در وقوع آن‌ها دارد.



## بررسی عملکرد و برنامه‌های دولت در مهار تورم

نشست سوم با موضوع «بررسی عملکرد و برنامه‌های دولت در مهار تورم» با میزبانی وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار شد. در این نشست، کارشناسان ضمن بیان تحلیل خود از تورم در اقتصاد ایران، به ارزیابی عملکرد و برنامه‌های دولت در مهار تورم پرداختند و در نهایت پیشنهادها خود به سیاست‌گذار را مطرح کردند.

موضوع اول این نشست نقش عوامل مختلف در ایجاد تورم بود. در ابتدای این نشست صاحب‌نظران عنوان کردند که در هر برهه زمانی، یک عامل موجب افزایش غیرمنتظره تورم بوده است که هم شامل عوامل سمت عرضه و هم شامل عوامل سمت تقاضا می‌شود. بنابراین برای مقابله با آن باید برنامه‌های خاصی برای هر کدام طراحی و اجرا شود که در مجموع با یکدیگر سازگاری داشته باشد.

در این بخش به اهم برنامه‌های دولت در مهار تورم اشاره شد که عبارتند از: عدم بار کردن بدهی‌های دولت بر شبکه بانکی و بانک مرکزی و تقویت انضباط مالی و سیال کردن بدهی‌ها در قالب اوراق، تعیین برنامه رشد اقتصادی بلندمدت و مسیرهای تامین مالی منابع لازم برای آن متناسب با رشد نقدینگی هدف‌گذاری شده، برنامه اصلاح ناترازی صندوق‌های باننشستگی، تسویه بدهی دولت به بانک‌ها از طریق تغییر کاربری برخی زمین‌ها و ساخت مسکن در آن‌ها با شرایط خاص، رفع موانع واگذاری سهام و اموال بانک‌ها با ابزارهای مالیاتی، اعطای اختیارات بیشتر به بانک مرکزی، کاهش ناترازی ارزی و مهار انتظارات تورمی از طریق توسعه ابزارهای مالی همچون شرکت‌های پروژه، اصلاح روش واردات محصولات اساسی کشاورزی از طریق ارتباط‌گیری با فروشندگان بزرگ جهانی، مدیریت پایه پولی و مهار ترازنامه بانک‌ها.

نکته بعدی مورد اشاره در این نشست، لزوم استفاده فعالانه دولت از پایه پولی بود. یعنی در کنار مهار رشد نقدینگی از طریق مهار ترازنامه بانک‌ها، لازم است تا دولت با استفاده صحیح و هدفمند از پایه پولی، علاوه بر تامین مالی طرح‌های اولویت‌دار خود از انقباض شدید که

منجر به افزایش نرخ‌های بهره و ایجاد رکود در اقتصاد می‌شود جلوگیری کند.

در بخش دیگری از این نشست کارشناسان بر لزوم رشد تولید برای مهار تورم تاکید کردند. در این بخش به محورهایی پرداخته شد که تقویت تولید را هدف‌گذاری کرده‌اند اما در بلندمدت با افزایش عرضه کل اقتصاد منجر به کاهش تورم می‌شوند. در این بخش بیان شد که تورم فعلی اقتصاد ایران عمدتاً ناشی از محدودیت‌های سمت عرضه و به طور خاص جهش‌های ارزی است و در این شرایط سیاست‌های پولی برای مهار آن کارایی ندارد. در مقابل تمامی سیاست‌های مهار تورم باید با محوریت حمایت از تولید و رفع مشکلاتی نظیر تامین مواد اولیه، سرمایه در گردش و انرژی صنایع، اعمال سیاست‌های ثبات بخشی به اقتصاد از جمله تحکیم قراردادهای بلندمدت در روابط شرکت‌ها و ایجاد ابزارهای جذاب جذب سرمایه مردم در دستور کار قرار بگیرد.

از دیگر راهبردهایی که دولت برای مهار تورم کوتاه مدت می‌تواند اتخاذ کند به «مدیریت تراز پرداخت‌ها» اشاره شد. راهکارهایی از جمله تشویق صادرات و محدودیت واردات و جلوگیری از خروج سرمایه و تشویق ورود سرمایه، از جمله مصادیق مهم مدیریت تراز پرداخت‌هاست که می‌تواند در مهار جهش‌های ارزی موثر باشد. اما باید توجه داشت که تثبیت نرخ ارز صادرکنندگان یا تخصیص ارز ارزان به واردات حرکت در جهت عکس این مسیر است و با افزایش انگیزه واردات و کاهش انگیزه بازگشت ارز صادراتی، موجب تشدید مشکلات کشور در زمینه تراز پرداخت‌ها می‌شود و جهش‌های ارزی را تشدید می‌کند.

در پایان این نشست ضمن انتقاد از عدم وحدت رویه دولت در اعمال سیاست‌های مهار تورم، بر این نکته تاکید شد که ایجاد وفاق نظر درخصوص شیوه مقابله تورم در گروه اقتصادی دولت، اولویت اصلی است و بعد از آن می‌توان انتظار داشت سیاستی در دستور کار قرار بگیرد و دنبال شود. همچنین اگر دولت تصمیمی گرفت باید تبعات تصمیم خود را بپذیرد و به محض پدیدار شدن اثرات تصمیم خود، پا پس نکشد. همچنین از آنجایی که بودجه سال ۱۴۰۳ در مجلسی بسته می‌شود که در آستانه انتخابات است نمایندگان باید مراقبت کنند تا

با تصمیمات خود، تورم بیشتری را به اقتصاد ایران تحمیل نکنند.

## بررسی اولویت‌های سیاست‌گذاری در مهار تورم

نشست چهارم با موضوع «بررسی اولویت‌های سیاست‌گذاری در مهار تورم» با میزبانی پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد برگزار شد. در این نشست، کارشناسان ضمن بیان تحلیل خود از تورم در اقتصاد ایران، اولویت‌های سیاست‌گذاری برای مهار تورم را از نگاه خودشان بیان کردند.

بخشی از کارشناسان در این نشست، تورمی که در دهه ۹۰ شاهد بودیم را متفاوت از تورم دهه‌های پیشین ارزیابی می‌کردند. در طول دهه ۹۰، جهش‌های ارزی به عنوان عامل مسلط تورم عمل کرده‌است و رشد نقدینگی و حتی کسری بودجه دولت معلول جهش‌های ارزی بوده‌اند. در این شرایط اقداماتی همچون مهار ترانزنامه بانک‌ها در صورتی که با سیاست‌هایی همچون هدایت اعتبار و مهار جریان پول و کالا همراه نشود، نمی‌تواند هدف مهار تورم در اقتصاد ایران را محقق کند. در این نشست ضمن پذیرش اینکه نرخ در بازار تعیین می‌شود بر این موضوع توافق شد که در حال حاضر در اقتصاد ایران یک بازار ارز سالم حاکم نیست که بتوانیم تعیین قیمت را به آن بسپاریم. بنابراین سیاست‌گذار باید به سمت بازسازی و سالم‌سازی بازار حرکت کند.

بخش دیگری از کارشناسان فائلمند که علت اصلی تورم در اقتصاد ایران، انباشت ناترازی‌هاست به این معنا که در اقتصاد ایران بیش از میزان تولید، مخارج ایجاد می‌شود و این مسئله موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود تا مازاد تقاضا از بین برود. مازاد تقاضای خرج کردن در اقتصاد ایران در مواردی همچون کسری بودجه دولت، کسری صندوق‌های بازنشستگی، زیان‌ده بودن بنگاه‌های بزرگ همچون خودروسازان و واردات محصولات کشاورزی از طرف شرکت‌های دولتی با هدف تثبیت قیمت‌ها نمایان است. دولت کسری بودجه نمایان یا عملیات فرابودجه‌ای خود را در سال‌های اخیر با خلق نقدینگی پوشش داده است.

از دیگر موارد می‌توان به اختصاص ارز ارزان به واردات، ساخت مسکن، خرید تضمینی گندم، تنظیم بازار، اجرای طرح‌های عمرانی، توسعه میدان‌های نفتی و گازی، حمایت از بنگاه‌های بزرگ، تامین منابع صندوق‌های بازنشستگی و موارد مشابه اشاره کرد که دولت برای تامین منابع آن‌ها یا به خلق نقدینگی جدید یا به منابع بانکی دست اندازی کرده است. لذا متناسب با این نگاه برای مهار تورم باید با اقداماتی همچون اصلاح نظام رفاهی، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و صادرات بیشتر، ایجاد نظام سنجش اعتبار در پرداخت تسهیلات بانکی و توسعه روش‌های تامین مالی غیربانکی، از بار مالی دولت و نظام بانکی کاسته شود.

از نکات دیگر مورد تاکید در این نشست، ارزیابی سیاست مهار ترازنامه بانک‌ها بود. به صورت کلی این سیاست یک اقدام کوتاه مدت برای ایجاد فضای تنفس و آغاز اصلاحات بلندمدت برای مهار تورم است که اگرچه در مهار نقدینگی موفقیت نسبی داشته است اما به شدت نیازمند است تا با سیاست‌های تکمیلی نظیر هدایت اعتبار همراه شود.

در بخش آخر این نشست به این موضوع پرداخته شد که نوسانات تورمی اقتصاد ایران بیش از آنکه ناشی از کمیت نقدینگی باشد، از کیفیت و ترکیب آن ناشی می‌شود؛ بنابراین دولت برای مهار تورم به جای تمرکز صرف بر رشد نقدینگی، باید اقداماتی همچون مدیریت بازار ارز، حکمرانی ریال و هدایت اعتبار به سمت بخش‌های مولد را در دستورکار قرار دهد. مدیریت نوسانات نرخ ارز شامل گشایش‌های سمت عرضه ارز در کنار پالایش تقاضای آن، منطبق کردن نقشه تجاری بر نقشه ارزی، تلاش برای احیای شبکه پرداخت رسمی و تبادلات دو و چند جانبه است. حکمرانی ریال شامل اقداماتی همچون افزایش شفافیت اقتصادی و نظارت بر فعالیت‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی، جلوگیری از فرار مالیاتی و بهبود تراز بودجه‌ای، مبارزه با فساد اقتصادی، مبارزه عملی با پولشویی، رصد مبادلات و اخذ مالیات‌های تنظیمی از فعالیت‌های سوداگرانه و سفته‌بازانه می‌شود. و درنهایت مهار و هدایت اعتبارات، که البته به معنای پول‌پاشی کور نیست بلکه سیاست‌گذار باید بجای انقباض کور نقدینگی، ضمن سخت‌گیری بر رفتار بانک‌ها و مؤسسات مالی، با اعمال مجموعه قوانین تشویقی و تنبیهی منجر به هدایت اعتبار به بخش‌های مولد شود.

### گزارش نشست‌های تخصصی

۱۴.....	نشست سیاست‌گذاری مهار تورم در مختصات اقتصاد ایران.....
۲۳.....	نشست جایگاه سیاست‌های پولی و ارزی در مهار تورم.....
۳۵.....	نشست بررسی عملکرد و برنامه‌های دولت در مهار تورم.....
۵۲.....	نشست بررسی اولویت‌های سیاست‌گذاری در مهار تورم.....
<b>۷۱.....</b>	<b>گزارش تصویری .....</b>

## گزارش نشست‌های تخصصی



## نشست «سیاست‌گذاری مهار تورم در مختصات اقتصاد ایران»

### خانه اندیشه‌ورزان ایران

نشست اول از سلسله نشست تخصصی «تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها» با موضوع «سیاست‌گذاری مهار تورم در مختصات اقتصاد ایران» روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ در خانه اندیشه‌ورزان ایران و در چارچوب «گفتگوهای مسیر پیشرفت» اندیشکده اقتصاد مقاومتی برگزار شد.

در این نشست آقایان سید علی مدنی‌زاده عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف و حسین درودیان کارشناس اقتصادی و مدرس دانشگاه تهران حضور داشتند.

## ماهیت متفاوت تورم متوسط و بلندمدت با جهش‌های تورمی

در ابتدای این نشست **حسین درودیان** ضمن اشاره به تحولات بین‌المللی افزود: ما وقتی به روندهای اقتصاد ایران نگاه می‌کنیم، یک سیکلی وجود دارد که در یک بازه‌های زمانی کشور را دچار تنگنا می‌کند و سپس با یک فاصله زمانی، گشایشی را در اقتصاد شاهدیم. اما در وضعیت کنونی با یک ماندگاری در تنگنای اقتصادی مواجه‌ایم که فعلاً چشم‌انداز گشایشی برای آن متصور نیست. حتی در زمان جنگ وضعیت اقتصاد در اختیار ما بود و بعد از عدم پذیرش صلح، باز هم بعد از مدتی آتش بس و اتمام جنگ را پذیرفگره. اما در حال حاضر سوال اینجا است که خواست و تصمیم ما چقدر می‌تواند شرایط را تغییر دهد؟

ایشان در تبیین ادوار تورمی اقتصاد ایران با تفکیک تورم متوسط و بلندمدت و جهش‌های تورمی گفت: در یک روند بلند مدت، نظام سیاسی و اجتماعی ایران دچار یک اضافه‌بار<sup>۱</sup> شده‌است، به این معنا که اهداف، مسئولیت‌ها و تعهداتی که برای خود ایجاد کرده فراتر از ظرفیت و توان او است. انعکاس این امر در اقتصاد به این صورت می‌شود که ما بیش از میزانی که کیک اقتصاد اجازه می‌دهد، از کانال‌های مختلف قدرت خرید ایجاد می‌کنیم. تورم‌های میانگین و بلندمدت را این مبحث توضیح می‌دهد. در شرایطی که وضعیت تولید کشور و از آن مهم‌تر وضعیت ترازپرداخت‌های آن خوب است، این وضعیت می‌تواند این شکاف را بپوشاند و یک نرخ تورم ملایم را شکل دهد. اما در زمانی که اقتصاد در وضعیت بدی قرار می‌گیرد و نمی‌تواند این شکاف را جبران کند، نرخ تورم نیز از روند بلندمدت خود به شدت فاصله می‌گیرد. به طور خاص جهش قیمت ارز ما را دچار یک ماریپج تورمی می‌کند و به دنبال آن بازار دارایی‌ها نیز با تبعیت از آن دچار پرش قیمتی می‌شود. سایر کالاها و خدمات نیز با یک وقفه، این افزایش قیمت را تجربه می‌کنند که این امر تبدیل به تورم عمومی شده و درنهایت به دستمزد نیروی کار سرایت می‌کند. تا این ماریپج آرام می‌شود دوباره تکانه ارزی بعدی وارد شده و کم‌کم تعادل تورمی به سطوح بالاتر منتقل می‌شود.

1. Overload





## تکانه‌های ارزی در نقطه شروع مستقل از نقدینگی هستند

این کارشناس اقتصادی با تبیین ماهیت تکانه‌های تورمی در اقتصاد افزود: نکته مهم ماجرا در اینجاست که تکانه ارزی اول در نقطه شروع، تقریباً از نقدینگی مستقل است. یعنی برای این جهش‌های ارزی نیازی به نقدینگی زیادی نیست و با درصد کمی از نقدینگی موجود این تکانه پا می‌گیرد. این جهش‌های ارزی در درجه اول تابع چشم‌انداز آینده، گشایش‌های ارزی، دسترسی و عرضه ارز است. البته وقتی این تکانه به قیمت دارایی‌ها، کالاها و خدمات و در نهایت دستمزد سرایت می‌کند، همراهی نقدینگی را ایجاد می‌کند و مطابق با بحث درونزایی پول، در این شرایط نقدینگی با این شوک همراهی می‌کند و در این حالت نقدینگی تابع تورم است. این تحلیل اخیراً توسط برخی دیگر از اقتصاددانان نیز مورد توجه قرار گرفته است، مثلاً اخیراً دکتر هاشم پسران در مصاحبه‌ای اشاره کرده است که تورم بالا در ایران ریشه‌های خارجی دارد. ارز که تضعیف شود تورم ایجاد می‌کند و این تورم مجدد ارز را متزلزل می‌کند. و این شوک ارز خود را به دستمزد، هزینه‌های دولت و حجم پول سرایت می‌دهد. پس این نقدینگی بالا عامل تورم نیست، بلکه نتیجه آن است.

## هم‌زمانی تورم بالا در ایران با افت و افول اقتصاد کلان

این استاد دانشگاه تهران با اشاره به اینکه اقتصاد ایران ادوار تورمی متفاوتی را به خود دیده است، افزود: در دوره‌هایی تورم ملایم و در دوره‌هایی جهش تورمی داشته‌ایم. داده‌ها بیانگر آن است که تورم بالا در کشور ما همراه با یک افت و افول اقتصاد کلان است. یعنی اگر به طور میانگین نگاه کنیم در دوران تورم بالا رشد اقتصادی منفی داریم. برعکس در دورانی که تورم پایین داریم، رشد اقتصادی مطلوب است. با توجه به این مختصات، دو فرضیه را می‌توان در مورد تورم در اقتصاد ایران مطرح نمود: فرضیه اول آن است که طرف تولید و عرضه و رشد اقتصادی برای تورم‌های ما مهم و موثر است. فرضیه دوم که

به نظر قابل اتکاتر است بیانگر آن است که عامل سومی وجود دارد که تورم بالا و رشد اقتصادی پایین هر دو متاثر از آن است. یعنی یک تکانه خارجی که به طور مشخص وضعیت ترازپرداخت ماست که اثر خود را بر نرخ ارز و درنهایت رشد تورم می‌گذارد. در طی دهه ۹۰ ما یک روند رو به نزول را در درآمد سرانه شاهدیم. یعنی سهم هر ایرانی از کیک اقتصاد کاهش یافته و در این فضا، تورم بالا یک انعکاس از این واقعیت است که نزاعی بر سر حفظ سهم از کیک اقتصاد رخ داده است.

### لرزش تفکیک میان عوامل کوتاه‌مدت و بلندمدت تورم

در ادامه این نشست **سیدعلی مدنی‌زاده** با بیان اینکه دهه ۹۰ را می‌توان دهه از دست رفته اقتصاد ایران نامید، گفت: وقتی در مورد متغیرهای اقتصاد کلان مانند تورم صحبت می‌کنیم، باید میان عوامل کوتاه‌مدت و بلندمدت تفکیک قائل شد. در نوسانات کوتاه‌مدت عوامل متعددی وجود دارد که برخی از آن‌ها مانند نرخ ارز، نقدینگی، تولید و... از جمله متغیرهای درونزای اقتصاد کلان هستند اما خود این موارد متاثر از متغیرهای برونزایی هستند که از بیرون به محیط اقتصاد کلان وارد می‌شوند. حال با این نگاه به تحلیل تورم در اقتصاد ایران می‌پردازیم. عمده متغیرهای اقتصاد کلان ما از جمله نرخ تورم، رشد نقدینگی، رشد پایه پولی، ارقام بودجه و... از فاز اعداد پایین‌تر در حال حرکت به سمت تعادل‌های بالاتر هستند.

### ناترازی مالی دولت اولین عامل بلندمدت تورم

وی در ادامه افزود: اولین عامل بلندمدت، مساله ناترازی مالی دولت است. منظور نیز کل عملیات مالی دولت یعنی بودجه و فرابودجه توامان است. فرآیند به این صورت است که یک شوک بیرونی مانند کاهش قیمت یا درآمد نفت منجر به کسری بودجه دولت می‌شود.



دولت نیز برای جبران این کسری به صورت مستقیم و غیرمستقیم تقاضای پول را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر یک سیاست عرضه پول وجود دارد که تعادل این دو تعیین کننده آن است که چه میزان پایه پولی یا نقدینگی منتشر شود. یعنی اگرچه یک تقاضای برای پول شکل می‌گیرد اما سیاست عرضه پول در اینجا بسیار تعیین کننده است.

## سیاست پولی فعال لازمه مهارپذیر کردن تورم

استاد دانشگاه شریف با طرح این سوال که آیا هر شوکی، کسری بودجه و تقاضای پول ایجاد می‌کند، پاسخ داد: خیر، سیاست انقباضی دولت می‌تواند شوک را مهار کند و برخلاف جریان شوک عمل کند. تنها در حالتی سطح عمومی قیمت‌ها مهارپذیر می‌شود که در طرف عرضه، سیاست‌گذار پولی فعالانه عمل کند. در صورت منفعل بودن سیاست‌گذار پولی هر شوکی خود را در میزان عرضه پول نشان می‌دهد و هر عامل بیرونی می‌تواند تعیین کننده سطح عمومی قیمت‌ها شود.

## ناترازی نظام بانکی و تراز تجاری دومین و سومین عامل تورم

عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه شریف عامل دوم تورم بالا در ایران را ناترازی نظام بانکی دانست و افزود: اگرچه عوامل متعددی منجر به شکل‌گیری ناترازی نظام بانکی شد، اما مهار کننده نهایی ناترازی، ناظر بانکی است که در ایران این وظیفه بر عهده بانک مرکزی است. اگر ناظر بانکی ضعیف عمل کند، بانک‌ها دست در جیب بانک مرکزی کرده و اضافه برداشت می‌کنند. در این زمینه هم میان بانک خصوصی که ساختمان تجاری می‌سازد با بانک دولتی که هزینه‌های جاری دولت را پوشش می‌دهد فرقی وجود ندارد.

سومین ناترازی موثر بر تورم، ناترازی تجاری است که با فرکانس بالاتر و در مدت زمان کمتری اثرگذار است. مثلاً شوک سیاسی، تحریم، خروج سرمایه و سفته‌بازی ناشی از

تحولات اجتماعی و... که در نهایت تعیین کننده نرخ ارز هستند. البته در اینجا سیاست ارزی دولت موثر است.

### تشدید انتظارات تورمی در نبود سیاست پولی فعال

مدنی زاده ضمن برشمردن انتظارات تورمی به عنوان عامل چهارم تورم افزود: در اقتصادهایی که سیاست‌های پولی فعال وجود ندارد و نرخ ارز به عنوان لنگر اسمی تورم عمل می‌کند، این کانال اثرگذاری بیشتری بر سطح عمومی قیمت‌ها دارد. پس سه ناترازی وجود دارد که اثر خود را بر سطح عمومی قیمت‌ها می‌گذارد و هر سه عامل در داخل این نظام اقتصادی، درونزا هستند. یک عامل هم عامل انتظارات است که می‌تواند حتی در صورت نبود هیچ گونه ناترازی، منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شود. بله در کوتاه‌مدت یک شوک ارزی می‌تواند قیمت بعضی کالاها را که مخارج ارزی دارند را به صورت بالقوه بالا ببرد، اما در صورتی که سیاست‌گذار پولی با یک سیاست پولی فعال، شوک را استرلیزه نماید یا با سیاست ارزی فعال واکنش نشان دهد، می‌تواند این اثر را خنثی نماید. تجربه ترکیه هم نشان می‌دهد تا قبل از هدف‌گذاری تورمی و سیاست‌گذاری پولی فعال، شوک‌های ارزی با سرعت و شدت بیشتری اثر خود را بر سطح عمومی قیمت‌ها نشان می‌دهد اما بعد از هدف‌گذاری تورمی در سال ۲۰۰۱، این نسبت از حالت یک به یک خارج شد و شدت و سرعت گذر نرخ ارز بر قیمت کالاها و خدمات کاهش یافت.

### نقش مهم سیاست‌گذار پولی در جذب جهش‌های تورمی

ایشان با بیان اینکه سیاست‌گذار پولی در اقتصاد کشور حتما نقش دارد، گفت: به عنوان مثال آقای مظاهری رییس کل بانک مرکزی در سال ۱۳۸۷ با سه قفله کردن بانک مرکزی و کاهش رشد نقدینگی باعث سقوط آزاد نرخ تورم تا نرخ ۱۰ درصد شد.



وی با اشاره به سه چارچوب سیاست پولی با عنوان «هدف‌گذاری ارزی»، «هدف‌گذاری پولی» و «هدف‌گذاری تورم» و با هدف «ثبات قیمت‌ها»، «ثبات مالی» و «رشد اقتصادی» گفت: در نظام هدف‌گذاری ارزی تلاش می‌کنند نرخ ارز را تثبیت کنند اما نه با سیاست دستوری. اقتصاد ما نباید به نرخ ارز حساس باشد. باید لنگر اسمی ارز را از ذهن مردم برداریم، لازمه آن سیاست پولی پویا است. با سیاست استرلیزیشن<sup>۱</sup> (محافظت در برابر شوک‌های خارجی) کوتاه مدت، باید تأثیر شوک‌های بیرونی را کاهش دهیم. می‌توان با سیاست‌های ریالی و فروش اوراق از حرکت پول به سمت ارز جلوگیری کرد و در مهار بانک مرکزی ننگه داشت.

## استفاده از سیاست مهارهای مقداری در تورم‌های بالا

دکتر مدنی‌زاده با تفکیک تورم در سطوح پایین و بالا بیان کردند: در تورم‌های پایین ابزار نرخ بهره موثر است اما در تورم‌های بالا باید مهار مقداری اتفاق بیفتد. در تورم‌های بالا ساختار اقتصاد و نقدینگی است که موجب ایجاد تورم بالا شده است.

ایشان همچنین به توضیح بیشتر سیاست پولی فعال و سیاست ارزی پرداختند و گفتند در هنگام ایجاد شوک نیز بایست به محض اتفاق افتادن شوک، سیاست‌گذاری پولی انجام شود نه آنکه به شوک مهلت داده شود تا تورم به ۶۰ درصد برسد بعد به فکر راه‌حل باشیم. به سیاست‌گذاری که در وهله اول به شوک پاسخ می‌دهد یک سیاست‌گذار فعال می‌گویند. در مورد آسیب‌های اتخاذ سیاست پولی انقباضی نیز (که توسط آقای درودیان بیان شد) باید اشاره کرد که پژوهشگران متعددی در مقاله‌های علمی بیان کرده‌اند که اگر با اتخاذ سیاست پولی انقباضی تورم کاهش بیاید، با پایین آمدن انتظارات تورمی، سیاست پولی انقباضی آثار رکودی ناچیزی خواهد داشت. در مورد سیاست ارزی نیز باید اجازه داد که نرخ ارز بالا برود، سپس در آنجا با حراج هلندی مداخله در بازار اتفاق بیافتد تا نرخ ارز به کانال مورد انتظار

1. Sterilization

سیاست گذار برگردد.

### پیوند ریشه‌دار نرخ ارز با انتظارات تورمی در اقتصاد ایران

در ادامه درودیان با بیان اینکه پیوند نرخ ارز با انتظارات تورمی در تاریخ اقتصاد ایران بسیار ریشه‌دار است گفت: در طول سالیان متمادی مردم جامعه مشاهده کرده‌اند که هرگاه اقتصاد کشور در وضعیت مثبتی قرار دارد، نرخ ارز نیز در سطوح پایین قرار دارد و هرگاه وضعیت اقتصاد منفی می‌شود، نرخ ارز نیز جهش پیدا می‌کند. اثرگذاری نرخ ارز بر تورم نیز از طرق مختلفی اتفاق می‌افتد که بخش‌هایی از اقتصاد دارای رابطه‌ی مستقیم با نرخ ارز هستند و با افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت پیدا می‌کنند و بخش‌هایی دیگر لزوماً ارتباط مستقیم با نرخ ارز نخواهد داشت که ناشی از مبادله نابرابر هستند و با مشاهده افزایش قیمت‌های سایر بخش‌ها، قیمت را افزایش خواهند داد؛ یعنی موج افزایش قیمت همه بخش‌ها را فرا خواهد گرفت. این موارد مستقل از فعال بودن یا نبودن سیاست‌گذار پولی هستند.

### سیاست پولی متعارف برای مهار شوک‌های قیمتی در ایران کارآمد نیست

نویسنده کتاب معماران پول با اشاره به بیان آقای مدنی‌زاده مبنی بر استفاده از سیاست پولی فعال در زمان وقوع شوک گفتند: سیاست پولی فعال در زمان وقوع شوک‌هایی با اثر کوتاه‌مدت، اگر به معنای افزایش نرخ بهره باشد با هزینه‌های بالایی همراه است؛ مانند افزایش بدهی‌های دولت، افزایش نقدینگی به دلیل ایجاد سپرده‌هایی با بهره بالا و رکود در تولید؛ و اگر به معنای مهارهای مقداری باشد (مانند سیاست مهار ترازنامه) که اساساً دارای تأثیر کوتاه‌مدت نیستند و مناسب مهار شوک‌های قیمتی نیستند. علاوه بر نکات گفته شده به لحاظ سیاسی اجتماعی نیز امکان اتخاذ سیاست‌های انقباضی شدید در شرایط کنونی وجود ندارد.



ایشان همچنین در مورد سیاست کاهش تورم از طریق سه‌قفله کردن بانک مرکزی بیان کردند که در ادوار مختلف اقتصاد ایران، تورم از جنس‌های گوناگون وجود داشته است. در دهه ۸۰ که تورم ناشی از هزینه‌کرد بیش از حد دولت بوده، سیاست مهار نقدینگی برای مهار تورم جوابگو بوده است اما در دهه ۹۰ و بعد از آن تورم کشور از جنس تورم رکودی است نه تورم ناشی از جاذبه تقاضا. به همین خاطر نتیجه اتخاذ سیاست پولی انقباضی در هنگام شوک‌ها و تورم سمت عرضه، به‌وقوع پیوستن تعدیل‌های مقداری است نه تعدیل قیمتی. یعنی به علت افزایش هزینه‌ها بنگاه با کم شدن حاشیه سود و زیان‌ده شدن روبرو می‌شود که در نتیجه به رکود تولید و کاهش آن می‌انجامد و بجای کاهش قیمت‌ها سبب کاهش مقداری تولید خواهد شد. در مورد سیاست استرلیزیشن (که توسط آقای مدنی‌زاده مطرح شد) باید گفت که مسئله ما در هنگام اتفاق افتادن شوک ارزی و تورم رکودی، کسری ریال است و نه مازاد ریال که با سیاست انتشار اوراق در بازار بخواهیم این ریال‌های مازاد را جمع‌آوری کنیم.



## نشست «جایگاه سیاست‌های پولی و ارزی در مهار تورم»

### مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نشست دوم از سلسله نشست تخصصی «تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها» با موضوع «جایگاه سیاست‌های پولی و ارزی در مهار تورم» روز سه‌شنبه ۲ خردادماه ۱۴۰۲ در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و در چارچوب «گفتگوهای مسیر پیشرفت» اندیشکده اقتصاد مقاومتی برگزار شد.

در این نشست آقایان مجید شاکری کارشناس مسائل اقتصادی، میثم خسروی مدیر گروه پولی و بانکی مرکز پژوهش‌های مجلس، حسن حسن‌خانی کارشناس مسائل اقتصادی و سیدمهدی بنی‌طبا قائم‌مقام دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی حضور داشتند.





## تورم در اقتصاد ایران برون داد یک علت نیست

در این نشست **سیدمهدی بنی طبا** معاون دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ضمن تاکید بر اینکه نمی‌توان فقط یک عامل را در ایجاد تورم مزمَن فعلی اقتصاد ایران دخیل دانست، افزود: تورم یکی از مشکلات پیچیده **اقتصاد ایران** در سال‌های اخیر است و دلایل و ریشه‌های زیادی در سال‌های اخیر منجر به افزایش و بالا ماندن سطح آن شده است. هر چند می‌توان در بازه‌های زمانی کوتاه مدت یک عامل را موثرتر از دیگر عوامل دانست ولی اگر بخواهیم برای مهار تورم در کشور سیاست‌گذاری کنیم، حتما باید برای همه عوامل آن برنامه‌ریزی و اقدام شود.

وی افزود: به عقیده من هزینه‌کرد بیش از درآمد در حوزه‌های مختلف، ریشه مهم تورم در اقتصاد ایران است. به طور خاص یکی از مصادیق هزینه‌کردن بیش از درآمد، کسری بودجه ساختاری دولت در دهه‌های اخیر بوده است که به استقراض از بانک مرکزی و بانک‌ها منجر شده و اثر آن در ایجاد تورم نمایان است. نگاه کوتاه مدت دولت‌ها در این زمینه اثرگذار بوده است ولی به هرحال این تمایل به هزینه‌کرد بیش از حد دولت‌ها حتما در ایجاد تورم در اقتصاد ایران نقش داشته است.

## نقش بانک‌ها در ایجاد تورم مزمَن در اقتصاد ایران

بنی طبا ادامه داد: از مصادیق دیگر هزینه‌کرد بیش از درآمد در کشور، به عملکرد بانک‌ها در خلق نقدینگی بر می‌گردد. در بلندمدت خلق نقدینگی مازاد بر تولید مهمترین نقش را در ایجاد تورم دارد و این مسئله در سال‌های اخیر به شدت از عملکرد نامطلوب بانک‌های خصوصی و دولتی متأثر بوده است. به بیان دیگر مجموعه بانک‌ها به هر تقدیر نقدینگی بیش از نیاز تولید کشور خلق کرده‌اند که مصداقی از هزینه‌کرد بیش از دخل است و به رشد نقدینگی و تورم منجر شده است.

این کارشناس مسائل اقتصادی اضافه کرد: **بانک‌های دولتی** حدود یک‌سوم در خلق نقدینگی در کشور نقش دارند و مهمترین دلیل بی انضباطی آن‌ها عملیات فرابودجه‌ای دولت در اموری همچون خرید تضمینی دولت یا انجام پروژه‌های زیرساختی عام‌المنفعه است که هیچ بازگشتی برای منابع آن متصور نیست و بدهی دولت به بانک‌های دولتی را سال به سال افزایش می‌دهد. اعطای مجوز تاسیس بانک به نهادهای مختلف که نیاز به تامین مالی داشتند از جمله سازمان تامین اجتماعی نیز بر مسئله ناترازی و افزایش خلق نقدینگی در کشور اثرگذاری بسیار قابل توجهی داشت.

### اختیارات بانک مرکزی برای نظارت در امور بانک‌های خصوصی کافی نیست

بنی طبایان بیان داشت: در واقع این بانک‌ها برای جبران ناکارآمدی نهادهای مختلف در کشور به خلق گسترده پول پرداخته‌اند و این مسئله یکی از دلایل اصلی رشد نقدینگی در اقتصاد ایران بوده است. حتی بانک‌هایی که به ظاهر خصوصی هستند و به نهادی مرتبط نیستند نیز نتوانسته‌اند عملکرد بهتری از بانک‌های دولتی یا بانک‌های مرتبط با نهادهای حاکمیتی داشته باشند.

وی ضمن اشاره به اینکه با تصویب یک قانون نیم صفحه‌ای در مجلس مجوز تاسیس **بانک خصوصی** صادر شد، افزود: به نظر می‌رسد افرادی که در تصویب چنین قانونی نقش داشتند نگاه درستی در خصوص اقدامی که انجام دادند نداشتند و در اموری همچون نظارت بانکی هیچ تحولی ایجاد نکردند. بانک‌های خصوصی و بانک‌های مرتبط با نهادهای حاکمیتی نیز بدون نظارت صحیح و مقتدرانه بانک مرکزی عملکردی به شدت نامطلوب از حیث ناترازی و **خلق پول** داشته‌اند. حتی امروز نیز که بیش از ۲۰ سال از تصویب آن قانون گذشته، همچنان اختیارات بانک مرکزی برای نظارت و مداخله در امور بانک‌های خصوصی کافی نیست.



## «زیست نفتی» و «ضعف حکمرانی» ریشه اساسی تورم مزمن اقتصاد ایران

بنی طبا مواردی همچون ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و مجوز اعطای تسهیلات کلان به شرکت‌هایی همچون شرکت‌های خودروسازی را از دلایل اصلی ایجاد نقدینگی بی‌ضابطه در اقتصاد ایران دانست و افزود: این موارد مصادیق متعددی دارد که هر ساله از طریق بودجه یا تسهیلات بانکی، اضافه شدن نقدینگی را به اقتصاد ایران تحمیل می‌کند.

وی سرکوب کردن نرخ ارز و در ادامه جهش‌های ارزی را نیز یکی از عوامل مهم ایجاد تورم در اقتصاد ایران عنوان کرد و افزود: در شرایطی که نقدینگی در اقتصاد ایران روندی فزاینده دارد، دولت‌ها سیاست سرکوب ارزی را در دستور کار قرار دادند که به ایجاد جهش‌های ارزی در بازه‌های مختلف منجر شده است و یکی از ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران محسوب می‌شود.

کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس عامل مهم مزمن بودن تورم بالا و رشد پایین اقتصادی در اقتصاد ایران را «ضعف حکمرانی» دانست و افزود: بدنه حکمرانی در کشور تحلیل رفته‌است و روندی مطلوب ندارد. توان تصمیم‌گیری در ساختار اقتصاد ایران وضعیت مطلوبی ندارد و نهادهای متعددی درخصوص موارد مختلف تصمیم‌گیر هستند. به طور خاص می‌توان به روند تصویب و انتشار برنامه هفتم توسعه اشاره کرد که ضعف‌های کارشناسی متعددی دارد و هیچ نهادی از جمله سازمان برنامه و بودجه یا ستاد تحول دولت مسئولیت آن را به عهده نمی‌گیرد.

این کارشناس اقتصادی «زیست نفتی» در اقتصاد ایران را یکی از مهمترین دلایل «ضعف حکمرانی» دانست و افزود: رهبر امعظم انقلاب بارها بر قطع وابستگی دولت به فروش نفت تاکید کرده‌اند اما دولت‌ها نتوانستند گامی در این راستا بردارند. یکی از تبعات این زیست نفتی دولت‌ها سوق دادن عمده سرمایه‌ها در کشور به سمت صنایع سرمایه‌بر بوده که موجب

تضعیف صنایع کارخانه‌ای شده و تولید را تضعیف کرده است.

وی همچنین اظهار داشت: عدم ورود مشکلات بخش خصوصی به دغدغه‌های مسئولین نیز از دیگر تبعات زیست نفتی دولت‌ها بوده است. تداوم این روندها در کنار کاهش درآمدهای نفتی در سال‌های اخیر موجب افزایش بیش از پیش هزینه‌ها در مقایسه با درآمدهای دولت شده و در طول سال‌های اخیر سرمایه اجتماعی را در اقتصاد ایران تحت تاثیر قرار داده است. جمیع این موارد تورم مزمن و بالا را در طول سال‌های اخیر به اقتصاد ایران تحمیل و شرایط مقابله با آن را پیچیده کرده است.

### سرکوب نرخ ارز راهکار مناسبی برای مهار تورم نیست

بنی طباطبائی در پایان ضمن تاکید بر اینکه در چنین شرایطی نمی‌توان صرفاً با تاکید بر یک عامل و ارائه یک راهکار، به مصاف تورم رفت، افزود: سیاست‌گذار نباید انتظار داشته باشد که کارشناسان فقط یک راهکار برای مهار تورم در اقتصاد ایران به وی ارائه دهند چرا که چنین چیزی ممکن نیست. در این شرایط دولت باید به خود سختی بدهد و برای همه ریشه‌های تورم برنامه‌ریزی کند. در خصوص اینکه گفته می‌شود امروز اولویت اصلی در مهار تورم **تثبیت نرخ ارز** است، باید گفت این راهکار در سال‌های اخیر بارها مورد استفاده قرار گرفته و نمی‌تواند در مهار تورم مفید واقع شود.

### شباهت ساختار تورمی ایران با وضعیت آمریکای لاتین در دهه ۸۰ میلادی

در این نشست **مجید شاکری** کارشناس مسائل اقتصادی، ضمن قبول اینکه تورم در اقتصاد ایران ریشه‌های متعددی دارد، گفت: در سال‌های اخیر ساختار تورم در اقتصاد ایران به سمتی حرکت کرده است که عملاً افزایش تورم ناشی از افزایش قیمت واردات و نیازهای



وارداتی، عامل افزایش نقدینگی و ایجاد چرخه‌های افزایش قیمت‌ها شده است.

وی افزود: این روند در آمریکای جنوبی دهه ۸۰ میلادی نیز ایجاد شده بود که ناشی از بدهی‌های ارزی کلان این کشورها بود. به این ترتیب با علم به اینکه تورم در اقتصاد ایران ریشه‌های متعددی از جمله جهش‌های ارزی، ناترازی بانک‌ها، کسری بودجه دولت و عوامل متعدد دیگر دارد، سیاست‌گذار باید بداند که تمرکز صرف بر یکی از این موارد نمیتواند به هدف مهار تورم منجر شود و سیاست‌گذار حتماً باید برای امور متعددی برنامه‌ریزی و اقدام کند.

## لزوم اتخاذ سیاست مهار ترازنامه در کنار مدیریت سمت عرضه جهت کاهش تورم

شاگری ادامه داد: به شخصه در سال ۱۴۰۰ معتقد بودم که مهمترین اقدام برای مهار تورم تلاش برای جلوگیری از شوک‌های ارزی و بهبود سمت عرضه اقتصاد است و مهار عرضه پول از جمله از طریق مهار ترازنامه بانک‌ها نمیتواند موفقیتی حاصل کند. ولی معتمد در سال ۱۴۰۱ ساختار تورمی مقداری تغییر کرده و امروز اثر افزایش تقاضا بر تورم نمایان‌تر شده است و از این جهت اهمیت اعمال سیاست‌هایی همچون مهار ترازنامه بانک‌ها در کنار مدیریت بخش عرضه و جلوگیری از شوک‌های تورمی بیشتر شده است. در حال حاضر از یک طرف رشد نقدینگی به مراتب بیشتر از کالاهای در دسترس در اقتصاد ایران است و از طرف دیگر شوک‌های طرف عرضه و به طور خاص شوک‌های ارزی نیز بر تورم اثرگذار بوده است. بنابراین برای مهار تورم هم مهار ترازنامه بانک‌ها با هدف مهار رشد نقدینگی ضروری است و هم باید برای رفع مشکل شوک‌های ارزی، نظام پرداخت رسمی برای تجارت خارجی کشور ایجاد شود و جریان ارزی کشور تحت مهار سیاست‌گذار قرار بگیرد.

## تجربه ناموفق تثبیت نرخ ارز صادرات برای مهار تورم در اقتصاد ایران

این کارشناس مسائل اقتصادی ضمن تحلیل شرایط حاکم بر صادرات شرکت‌های بزرگ، افزود: تثبیت نرخ ارز صادرات و در مقابل استفاده از روش‌های امنیتی برای برگرداندن ارز در ماه‌های اخیر جواب نداده و اتفاقاً به دلیل کاهش انگیزه برگرداندن ارز از سوی صادرکنندگان، نتیجه عکس نیز داده است. روسیه در شرایط مشابه روش دیگری را در پیش گرفت و به جای دست گذاشتن روی نرخ تسعیر ارز، برای شرکت‌های صادرکننده هزینه‌های روبلی ایجاد کرد تا انگیزه داشته باشند ارز خود را به روبل تبدیل کنند.

## ساختار پرداخت رسمی لازمه‌ی حکمرانی در حوزه ریال بخش ارزی است

مجید شاکری بیان کرد که وجود **ساختار پرداخت رسمی** لازمه‌ی اخذ «مالیات بر عایدی سرمایه»<sup>۱</sup> از ارز است، زیرا برای گرفتن مالیات بر عایدی سرمایه ابتدا باید اطلاعات تراکنش‌های ارزی را داشته باشیم تا بتوانیم آن را مدیریت کنیم، اما سیاست‌گذار ما اطلاعاتی از تراکنش‌های حواله‌های ارزی ندارد و در مورد اطلاعات تراکنش‌های دیگر نیز ضعیف است. ایشان در ادامه بر لزوم عمق دادن به بازار و لزوم ذخایر ارزی کافی در جهت مداخله موثر ارزی بانک مرکزی برای موفق شدن سیاست تثبیت تأکید کردند.

---

1. CGT



## اثرگذاری نرخ ارز بر تورم در کوتاه‌مدت مورد اجماع کارشناسان است

در این نشست **میثم خسروی** مدیر گروه پولی و بانکی مرکز پژوهش‌های مجلس، ضمن تاکید بر اثرگذاری جهش‌های ارزی بر تورم در کوتاه مدت، گفت: نرخ ارز لنگر اسمی در اقتصاد ایران است و انتظارات نیز به شدت به آن وابسته است. بنابراین نرخ ارز می‌تواند بر تورم اثر بگذارد و در کوتاه مدت آن را از میانگین بلندمدت خود فاصله بدهد. به نظر می‌رسد همه کارشناسان نیز در این خصوص اتفاق نظر دارند و معتقدند برای مهار تورم باید برای تحت مهار درآوردن نرخ ارز اقداماتی صورت بگیرد. اما اختلاف نظر در خصوص اقداماتی است که برای این مهم پیشنهاد می‌شود.

## اقدامات لازم برای جلوگیری از اثر شوک‌های ارزی بر تورم

وی افزود: تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد اگر بازار ارز به میزان کافی عمیق باشد و انتظارات نیز به نرخ ارز لنگر شده باشد، می‌توان با شناورسازی نرخ و مهار متغیرهای پولی از جمله رشد نقدینگی، از اثرگذاری شوک‌های ارزی بر تورم جلوگیری کرد. اما در شرایط اقتصاد ایران که بازار ارز به میزان کافی عمیق نیست و انتظارات نیز به طور قابل قبولی لنگر نشده است، باید اقداماتی همچون اصلاح تراز پرداخت‌ها و استفاده بهینه از ذخایر برای مداخله در عرضه و تقاضا نیز در دستور کار قرار بگیرد.

این کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس اضافه کرد: باید توجه داشت که استفاده از ابزار مداخله بدون بهره‌مندی از ذخایر ارزی نقد و کافی امکان‌پذیر نیست و یکی از مواردی که بین ایران و کشوری مثل روسیه تفاوت ایجاد می‌کند همین مسئله است. روسیه در زمان بحران ناشی از جنگ صدها میلیارد دلار ذخیره ارزی نقد و در دسترس داشت ولی در ایران به طور معمول عرضه ارز به شکلی انجام می‌شود که نتیجه آن از دست رفتن ذخایر بدون تاثیر بر قیمت بازار بوده است.

## عمق‌بخشی به بازار ارز لازمه جلوگیری از شوک‌های ارزی

خسروی تلاش برای تعمیق بازار ارز را از جمله اقدامات بانک مرکزی برای جلوگیری از اثرگذاری شوک‌های ارزی بر تورم دانست و افزود: نباید این شرایط حاکم باشد که عده‌ای محدود با سرمایه‌ای محدود بتوانند بر بازار ارز اثرگذار باشند و لازمه این مهم عمق‌بخشی به بازار ارز است که وظیفه بانک مرکزی است و در این صورت شوک‌های ارزی اثرگذاری کمتری بر تورم خواهد داشت.

## جلوگیری از اثر شوک‌های ارزی بر تورم با صرف تثبیت نرخ شدنی نیست

کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس در ادامه تاکید کرد: بنابراین حتی اگر فقط بخواهیم بر نرخ ارز متمرکز شویم و اثر آن بر تورم را کاهش دهیم، باید یک مجموعه اقدامات در دستور کار قرار بگیرد که مهار کل‌های پولی نیز از جمله این اقدامات است و نمی‌توان انتظار داشت یک اقدام یکجانبه در تثبیت نرخ ارز صادرات اثری مثبت در این زمینه داشته باشد. مسئله دیگر اینکه تثبیت نرخ ارز یا هرگونه اعمال محدودیت و اجبار در روند بازگشت ارز صادراتی، در شرایط فعلی به کاهش صادرات و کاهش عرضه ارز صادراتی منجر می‌شود.

## پنج نگاه مختلف به ریشه‌های تورم در اقتصاد ایران

در این نشست **حسن حسن‌خانی** کارشناس مسائل اقتصادی، ضمن اشاره به اینکه علم اقتصاد با علوم تجربی همچون علم فیزیک متفاوت است، گفت: گزاره‌های جهان‌روا در علم اقتصاد به مراتب کمتر از علم فیزیک است و به همین دلیل عنصر زمان و مکان می‌تواند به کلی منجر به تغییر شرایط شود و نباید همه را به پذیرش گزاره‌های ثابت و جهان‌شمول توصیه کرد. قصد برگزاری چنین جلساتی کمک به بهبود تصمیم‌گیری برای کشور است و





برای تحقق این هدف نباید به حرف‌های کاملاً آکادمیک یا ژورنالیستی اکتفا شود. وی ضمن اشاره به ۵ نگرش در خصوص تورم و ریشه‌های آن گفت: برخی معتقدند ریشه تورم به بدرفتاری‌های اقتصادی دولت در اقتصاد برمی‌گردد که مهمترین آن کسری بودجه است. این عده تورم را عینیت حکمرانی ضعیف دولت می‌دانند. گروه دوم ریشه اصلی تورم را بدرفتاری بانک‌ها در خلق پول و اعطای تسهیلات می‌دانند که موجب اضافه برداشت و در نهایت تورم شده است. گروه سوم معتقدند کیفیت سیاست‌های پولی بانک مرکزی نقش اصلی را در ایجاد تورم دارد؛ به طور خاص این عده منتقد کاهش نرخ سود بانکی در سال‌های اخیر هستند. گروه چهارم جهش‌های ارزی را پیشران تورم در اقتصاد ایران می‌دانند و معتقدند ماریپیچ افزایش قیمت‌ها از جهش‌های ارزی آغاز می‌شود؛ به این ترتیب این عده معتقدند اگر دولت بتواند نرخ ارز را در یک بازه مهار کند، مهار تورم محقق می‌شود. گروه پنجم نیز معتقد است انتظارات تورمی ریشه اصلی و پیشران تورم است.

## شناخت صحیح از ریشه‌های تورم لازمه ارائه راهکار برای مهار آن است

حسن‌خانی با اشاره به اینکه اختلاف نظر در ریشه تورم موجب ارائه راهکارهای مختلف برای مهار تورم می‌شود، افزود: به طور خاص گروه اول برای مهار تورم به سراغ مهار کسری بودجه می‌رود، گروه دوم بر ضرورت نظارت بر خلق پول و تسهیلات‌دهی بانک‌ها تاکید دارد، گروه سوم استفاده از ابزارهایی همچون نرخ بهره بانکی را ضروری می‌داند، گروه چهارم مهار نرخ ارز را در اولویت دارد و گروه پنجم نیز بر ضرورت ارائه گزارش‌های دقیق و به هنگام به مردم تاکید دارند.

وی ضمن تاکید بر اینکه باید در خصوص اینکه در مورد کدام تغییرات تورمی در کشور می‌خواهیم صحبت کنیم، گفت: به طور خاص باید مشخص شود که تورم مزمن فعلی کشور یک اثر روندی است یا اثر فصلی یا اثر چرخه‌ای یا اثر شوک‌هایی در بازه‌های کوتاه مدت

است. به عقیده من این شوک‌های تورمی است که در اقتصاد ایران بسیار مخرب بوده است و باید درخصوص مهار آن به ارائه راهکار بپردازیم.

### اولویت مقابله با تکانه‌های تورمی بجای مقابله با روند تورم

حسن‌خانی ادامه داد: سیاست‌گذار فرصت و منابع محدودی دارد، بنابراین نباید به سیاست‌گذاران اینطور توصیه کنیم که تورم ریشه‌های متعددی دارد و باید برای همه مسائل آن برنامه‌ریزی شود؛ چراکه در این صورت عملاً سیاست‌گذار فرصت کافی را نخواهد داشت و نمی‌تواند برای هیچکدام از ریشه‌ها برنامه‌ریزی کند. باید تصور کنیم سیاست‌گذار فقط می‌تواند روی یکی از ریشه‌ها تمرکز کند و کارشناسان باید پیشران اصلی را شناسایی و اولویت را به دولت ارائه کنند.

این کارشناس اقتصادی اضافه کرد: در مسئله چند بعدی مثل تورم من معتقدم اولاً نمی‌توان به طور همزمان برای کاهش روند و جلوگیری از جهش‌های تورمی تمرکز کرد؛ در وهله بعدی نمی‌توان به طور همزمان برای مقابله با همه ریشه‌های تورم برنامه‌ریزی کرد. بنابراین باید ابتدا مقابله با جهش‌های تورمی مورد توجه قرار بگیرد و ریشه اساسی و اثرگذار در ایجاد شوک‌های تورمی شناسایی و راهکار مقابله با آن ارائه شود.

وی افزود: یکی از مهمترین اقدامات در این زمینه فراهم شدن شرایط مداخله هوشمندانه برای بانک مرکزی در بازار ارز، از طریق ایجاد ذخایر در دسترس از محل صادرات است. در این صورت بانک مرکزی می‌تواند نه صرفاً با تثبیت نرخ، بلکه با مداخله هوشمندانه از شوک‌های ارزی جلوگیری کند.



## موفقیت بانک مرکزی در گرو همراهی همه ارکان سیاست‌گذاری

حسن‌خانی همراهی همه ارکان سیاست‌گذاری با سیاست‌های مدنظر دولت را لازمه موفقیت آن دانست و ادامه داد: اگر بانک مرکزی به هر دلیلی سیاست تثبیت نرخ ارز را در دستور کار قرار دهد ولی دیگر ارکان حاکمیت با آن همراهی نکنند و علیه این سیاست در رسانه‌ها هجمه شود، حتما این سیاست شکست می‌خورد. اما باید توجه داشته باشیم که این شکست نمی‌تواند لزوماً به این معنی باشد که سیاست مناسبی اتخاذ نشده است.



## نشست «بررسی عملکرد و برنامه‌های دولت در مهار تورم»

### وزارت امور اقتصادی و دارایی

نشست سوم از سلسله نشست تخصصی «تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها» با موضوع «بررسی عملکرد و برنامه‌های دولت در مهار تورم» روز سه‌شنبه ۹ خردادماه ۱۴۰۲ در وزارت امور اقتصادی و دارایی و در چارچوب «گفتگوهای مسیر پیشرفت» اندیشکده اقتصاد مقاومتی برگزار شد.

در این نشست آقایان سید مهدی حسینی دولت آبادی کارشناس اقتصاد کلان، یونس سلمانی معاون هماهنگی و محیط کسب و کار وزارت صمت، مجید کریمی مدیر کل دفتر مطالعات بازارهای مالی وزارت اقتصاد و علی بهادر کارشناس اقتصادی حضور داشتند.



## دلایل انحراف سیاست‌های مهار تورم از ابتدای سال ۱۴۰۱

در این نشست **مجید کریمی** مدیر کل دفتر مطالعات بازارهای مالی وزارت اقتصاد، درخصوص عوامل تورم بالای فعلی اقتصاد ایران گفت: از شهریور ۱۴۰۰ نرخ تورم ماهانه حدود ۳.۳ درصد بود و در پایان اسفند ماه همین سال به ۰.۵۴ درصد رسید و تورم نقطه به نقطه نیز از حدود ۵۴ درصد به کمتر از ۳۰ درصد کاهش یافت که ناشی از اقدامات دولت و ایجاد فضای آرام در روابط خارجی بود و اگر همین روند در سال ۱۴۰۱ دنبال میشد امکان کاهش بیشتر تورم فراهم بود. اما در ۴ ماه ابتدایی سال ۱۴۰۱ اتفاقاتی رخ داد که روند مقابله با تورم و کاهش آن را با مخاطره مواجه کرد.

وی افزود: به طور خاص می‌توان به افزایش ۵۷ درصدی حداقل دستمزد و انتظارات تورمی ناشی از آن اشاره کرد؛ علاوه بر این جنگ روسیه و اوکراین نیز منجر به افزایش قیمت کالاهای اساسی شد و ما نیز به واردات محصولات اساسی وابسته هسگروه و در بازه تیر ۱۴۰۱ قیمت واردات محصولی مثل گندم نزدیک به ۲ برابر شد. در کنار این مسائل مردمی‌سازی یارانه‌ها و حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی در نهایت موجب شد که تورم ماهانه خرداد ماه به ۱۰.۶ درصد برسد که ۵.۵ درصد نسبت به اردیبهشت ماه همان سال افزایش نشان می‌داد.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: در آمارها نیز مشخص است که ابتدا تورم تولیدکننده در ماه‌های ابتدایی سال ۱۴۰۱ افزایش می‌یابد و بعد از آن با تاخیر حدود یک ماهه، تورم مصرف‌کننده نیز بالا می‌رود که نشان می‌دهد تورم در این بازه بیشتر از سمت عرضه ناشی شده است. در ادامه تورم بخش خدمات شامل مسکن، بهداشت و آموزش نیز به مرور خود را با تورم کالاها تعدیل کرد و افزایش یافت. از آذر ماه سال ۱۴۰۱ که به مرور اثر عوامل کوتاه مدت سمت عرضه که در بالا اشاره شد در حال فروکش کردن بود، بحث اعتراضات و انتظارات تورمی ناشی از آن بالا گرفت و تورم نقطه به نقطه پایان اسفند ۱۴۰۱ را به بیش از ۶۳ درصد رساند.

## اثرگذاری عوامل بنیادین و عوامل کوتاه مدت در تورم فعلی اقتصاد ایران

کریمی با بیان اینکه در هر برهه زمانی یک عامل موجب افزایش غیرمنتظره تورم بوده است، افزود: با این حال می‌توان گفت اتفاقات سمت عرضه تنها به طور موقت بر نرخ تورم اثرگذار است و تنها زمانی این اثر پایدار میشود که با رشد نقدینگی همراه شود. هرچند اتفاقات برونزای سمت عرضه توانست بر نرخ رشد نقدینگی نیز اثر بگذارد و روند آن را از حدود ۳۰ درصد به حدود ۴۰ درصد برساند. در مجموع هم عوامل بنیادین و هم عوامل کوتاه مدت در حال اثر گذاشتن بر نرخ تورم در اقتصاد ایران هستند و برای مقابله با آن باید برنامه‌های خاصی برای هر کدام طراحی و اجرا شود که در مجموع با یکدیگر سازگاری داشته باشد.

این کارشناس اقتصادی اضافه کرد: رشد بالای نقدینگی و عدم تناسب آن با رشد اقتصادی، وابستگی به واردات کالاهای اساسی، عدم تطابق نقشه تجاری و ارزی و موارد مشابه جزء عوامل بنیادین هستند که بر تورم در اقتصاد ایران اثرگذار هستند و دیگر موارد همچون افزایش حداقل دستمزد، جنگ اوکراین یا مردمی سازی بارانه‌ها، عوامل کوتاه‌مدت هستند و صرفاً می‌توانند تورم را از روند بلندمدت آن مقداری بالاتر ببرند یا در بالاترین حالت روند بلندمدت را مقداری جابه‌جا کنند.

### تورم مزمن اقتصاد ایران نتیجه تداوم ناترازی‌های اقتصاد

وی ناترازی عمیق در نظام بانکی، ناترازی بودجه دولت، بنگاه‌های دولتی و به طور خاص صندوق‌های بازنشستگی و ناترازی ارزی را از دلایل اصلی بالا بودن تورم بلندمدت در اقتصاد ایران عنوان کرد و افزود: در کنار این موارد سیالیت پول در اقتصاد ایران موجب شده است رشد نقدینگی اثرگذاری سریع‌تری بر افزایش تقاضا و در نتیجه افزایش قیمت‌ها داشته باشد. علاوه بر این حدود ۸۰ درصد واردات کشور به کالاهای واسطه‌ای تولید و مواد



اولیه مرتبط می‌شود که نتیجه آن انتقال سریع تورم‌های جهانی به داخل اقتصاد ایران است. در کنار این وقتی دولت سیاست تثبیت نرخ ارز را درپیش گرفت، واردکنندگان به دلیل عدم اعتماد به دولت واردات خود را به جلو انداختند و این امر را به مراتب بیشتر از مقدار همیشگی افزایش داد و مشکل ناترازی ارزی را تشدید کرد.

کریمی تأکید کرد: در چنین شرایطی اینکه گفته شود صرفاً یک سیاست باید به دولت پیشنهاد شود منطقی نیست و حتماً لازم است یک بسته سیاستی جامع در دستورکار قرار بگیرد که برای همه عوامل موثر در آن برنامه ریزی شود. هرچند باید توجه داشت رفع ناترازی‌های فعلی اقتصاد ایران از جمله کسری بودجه، در بازه زمانی کوتاه ممکن نیست و باید برای آن در افق زمانی بلندمدت برنامه ریزی کرد. در واقع اگر دولت محدود کردن متغیری مثل نرخ رشد نقدینگی را در دستورکار قرار می‌دهد، باید توجه داشته باشد که پایین آوردن این نرخ از حدود ۴۰ درصد به ۳۰ درصد در بازه یکساله منطقی است ولی تأکید بر کاهش سریعتر آن می‌تواند مخاطراتی از جمله در تامین مالی بنگاه‌ها و سرمایه در گردش واحدهای تولیدی ایجاد کند.

## تثبیت ارز واردات ناترازی ارزی کشور را تشدید می‌کند

مدیرکل دفتر مطالعات بازارهای مالی وزارت اقتصاد مدیریت ثبت سفارش از سوی واردکنندگان را یکی از اقدامات ضروری برای بهبود شرایط ناترازی ارزی کشور دانست و افزود: از یک طرف دولت با تثبیت نرخ واردات انگیزه واردات بیشتر را افزایش داد و از سوی دیگر واردکنندگان اقدام به ثبت سفارش بیشتر از هر سال کردند و در این شرایط وزارت صنعت، معدن و تجارت باید بر ثبت سفارش نظارت داشته باشد.

کریمی مشکلات موجود در تامین ارز واردات از جمله در سامانه نیما را از جمله دلایل تشدید ناترازی ارزی و جهش نرخ ارز دانست و افزود: وقتی تامین ارز دست کم یک ماه بعد از ثبت در سامانه نیما انجام می‌شود و حتی در خصوص واردات کالاهای اساسی که از سوی

دولت انجام می‌شود، تامین ارز با مشکل و تاخیر مواجه است، این مسئله حتما در ناترازی ارزی کشور اثرگذار است و انتظارات تورمی را نیز وخیم تر میکند.

### ۴ محور برنامه‌های دولت برای مهار تورم بلندمدت در اقتصاد ایران

این کارشناس اقتصادی درخصوص راهکارهای مهار تورم در سال جاری گفت: در دولت بر اساس شعار سال محورهایی برای مهار تورم با همکاری وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی نهایی شد که برخی از آنها به احکام قانونی تبدیل شده و برخی نیز در حال بحث و بررسی در شورای اقتصاد است و مواردی همچون بازمهندسی نظام تامین مالی دولت، تسویه بدهی دولت و بخش دولتی، کاهش ناترازی شبکه بانکی، کاهش ناترازی ارزی و سیاست‌گذاری پولی را شامل می‌شود.

کریمی در اشاره به اهم برنامه‌های دولت در مهار تورم گفت: عدم بار کردن بدهی‌های دولت به شبکه بانکی و بانک مرکزی و تقویت انضباط مالی و سیال کردن بدهی‌ها در قالب اوراق، از جمله مواردی است که در این محور در دستورکار قرار گرفته است. از دیگر موارد نیز می‌توان به تعیین برنامه رشد اقتصادی بلندمدت و مسیرهای تامین مالی منابع لازم برای آن متناسب با رشد نقدینگی هدف‌گذاری شده، برنامه اصلاح ناترازی صندوق‌های بازنشستگی، تسویه بدهی دولت به بانک‌ها از طریق تغییر کاربری برخی زمین‌ها و ساخت مسکن در آن‌ها با شرایط خاص، رفع موانع واگذاری سهام و اموال بانک‌ها با ابزارهای مالیاتی، اعطای اختیارات بیشتر به بانک مرکزی، کاهش ناترازی ارزی و مهار انتظارات تورمی از طریق توسعه ابزارهای مالی همچون شرکت‌های پروژه، اصلاح روش واردات محصولات اساسی کشاورزی از طریق ارتباط‌گیری با فروشندگان بزرگ جهانی، مدیریت پایه پولی و مهار ترازانامه بانک‌ها اشاره کرد.





## مهار ترازنامه بانک‌ها باید با استفاده فعالانه از پایه پولی همراه شود

وی ضمن تاکید بر اهمیت مهار ترازنامه بانک‌ها در مهار تورم گفت: پیشنهاد ما این بود که در این برنامه برای هر بانک به طور مجزا سقف افزایش ترازنامه مشخص شود و علاوه بر این انتظار این بود که دولت به شکل فعالانه برای افزایش هدف‌گذاری شده پایه پولی برنامه ریزی کند و اینطور نباشد که عمده افزایش پایه پولی از مسیر اضافه برداشت باشد. در روش فعلی بانک‌های بد صرفاً با افزایش نرخ ضریب فزاینده تنبیه می‌شوند که نتیجه‌ای جز افزایش اضافه برداشت آن‌ها و کمبود منابع در بازار بین بانکی ندارد و موجب افزایش نرخ بهره و محدود شدن تامین مالی در اقتصاد شده است. درحالی‌که اگر دولت و بانک مرکزی به طور فعالانه برای رشد پایه پولی متناسب با نرخ هدف‌گذاری شده، برنامه ریزی می‌کردند، ضمن تحقق هدف مهار ترازنامه، هدایت نقدینگی و تقویت رشد اقتصادی محقق میشد و مشکلات فعلی نیز به وجود نمی‌آمد.

کریمی درخصوص چگونگی استفاده فعالانه دولت و بانک مرکزی از رشد پایه پولی گفت: ساخت مسکن، تامین کالاهای اساسی یا اعطای خط اعتباری برای پروژه‌های مدنظر دولت، میتواند از جمله اهداف این اقدام فعالانه دولت باشد. در این مسیر پایه پولی میتواند به صورت اهرم منابع بانکی را نیز به سمت بخش‌های مورد نظر دولت سوق دهد.

## سیاست‌های پولی نمیتواند در مهار تورم معجزه کند

در این نشست **یونس سلمانی** معاون هماهنگی و محیط کسب و کار وزارت صمت، درخصوص سهم عوامل مختلف در تورم اقتصاد ایران گفت: برای اینکه تحلیل دقیق‌تری درخصوص تورم داشته باشیم باید با دقت بیشتری سهم هریک از عوامل را تبیین کنیم. به عقیده من بخش اصلی تورم در اقتصاد ما از ناشی از سمت عرضه است و اینطور نیست که بتوانیم از سیاست‌های پولی و مالی انتظار معجزه در مهار تورم داشته باشیم. بحث

بعدی اینکه رشد تولید و مهار تورم جدا از هم نیستند درحالیکه در ادبیات و در نظرات سیاست‌گذاران، عمدتاً روی این تمرکز می‌شود که با سیاست‌های بودجه‌ای و اقتصاد کلان تورم مهار شود درحالیکه بدون برنامه ریزی برای اصلاح سیاست‌های تجاری، مهار تورم ممکن نیست. برخی سیاست‌ها از جمله مهار ترازنامه بانک‌ها و رابطه دولت و بانک مرکزی نیز رویه‌های ناظر بر سازکارهای تسریع اجرای سیاست‌های اقتصاد کلان است.

وی افزود: برخی سیاست‌ها در کشور ما غریب مانده است. از جمله آن‌ها می‌توان به سیاست‌های اطمینان بخشی به فعالین اقتصادی و مقابله با بی ثباتی‌ها اشاره کرد. به طور مثال ما باید به سمت قراردادهای بلندمدت حرکت کنیم که میتواند اثرگذاری قابل توجهی در ثبات بخشی به اقتصاد داشته باشد. بحث بعدی نظامات حاکم بر قیمتگذاری‌هاست که در حال حاضر وحدت رویه‌ای درخصوص آن مشاهده نمی‌شود. تکمیل زنجیره‌های تولید و استفاده از ظرفیت آن برای تامین مالی و ایجاد مقاصد برای سرمایه‌گذاری مردم در شرایط تورمی نیز از جمله این سیاست‌های ثبات بخش است. این ابزارسازی‌ها سخت، زمانبر و بعضاً پرهزینه است ولی بدون آن‌ها امکان مهار بلندمدت تورم فراهم نخواهد بود.

### سیاست‌های مغفول مانده در مهار تورم

سلمانی در ادامه با تاکید بر اهمیت سیاست‌های بخش حقیقی، گفت: وقتی ۱۵ درصد هزینه تمام شده محصولات به بخش‌های مثل لجستیک و حمل و نقل اختصاص دارد، برای مهار قیمت‌ها حتماً باید به این بخش نیز توجه شود. تامین مواد اولیه برای تولید نیز اثرگذاری مهمی در قیمت تمام شده دارد ولی سیاست درستی در زمینه تامین آن وجود ندارد. تامین انرژی بحث دیگری است که مانع از توسعه تولید شده است و رفع مشکلات آن همیشه نیاز به هزینه کردن ندارد ولی وقتی درخصوص تورم صحبت می‌شود، کسی به سراغ این بخش‌ها نمی‌رود. بحث بعدی حمایت از اجرای طرح‌هایی است که ارزآوری بالایی دارند یا صرفه جویی ارزی ایجاد میکند؛ اگر این طرح‌ها حمایت نشود، به طور حتم امکان



مدیریت ناترازی ارزی کشور فراهم نمی‌شود.

## حمایت از تولید با بهبود قدرت خرید مردم

معاون هماهنگی و محیط کسب و کار وزارت صمت ادامه داد: علاوه بر این فعال کردن ظرفیت‌های خالی در برخی رشته‌های فعالیت‌ها که حتی تا ۳۰ درصد نیز می‌رسد می‌تواند به افزایش عرضه و کاهش قیمت در اقتصاد کمک کند؛ برخی از این صنایع تنها منتظر تامین سرمایه در گردش یا تامین مواد اولیه هستند. بازاریابی برای تولیدکنندگان و تسهیل فروش محصولات آن‌ها می‌تواند به کاهش هزینه تمام شده آن‌ها کمک کند و این مهم باید از مسیر بهبود قدرت خرید مردم از تولیدکنندگان داخلی در دستور کار قرار بگیرد.

وی افزود: هر زمان صحبت از اهمیت این راهکارها در ثبات بخشی به اقتصاد می‌شود، در پاسخ می‌گویند این راهکارها بلندمدت است ولی به هر حال این موارد نیز باید یک زمانی در دستور کار قرار بگیرد و بدون توجه به آن‌ها مهار تورم ممکن نیست. مسئله بعدی توجه به توسعه روابط تجاری خارجی است که به طور حتم در بهبود ناترازی ارزی و رونق تولید و در نهایت مهار تورم موثر است.

## نااطمینانی از آینده عامل افزایش ثبت سفارش

این کارشناس اقتصادی عامل بالا رفتن ثبت سفارشی واردات را انباشت تقاضا و نااطمینانی از آینده عنوان کرد و افزود: من معتقدم میزان ثبت سفارش یک سیگنال اقتصادی است و نباید آن را سرکوب کرد چراکه انتظارات فعالین اقتصادی از آینده را به سیاست‌گذار منتقل می‌کند. در عین حال وزارت صمت برای اطمینان از اینکه ثبت سفارش بیش از حد اتفاق نیفتد، با ابزار سابقه و میزان تولید و در برخی موارد نظر کارشناسی، سفارش‌های ثبت شده را پالایش می‌کند.

### سیاست‌های پولی در مهار تورم ناشی از شوک‌های ارزی کارایی ندارد

سلمانی تاکید کرد: حتی اگر میزان نقدینگی در کشور ثابت بماند، بازهم امکان افزایش قیمت‌ها در نظامات اقتصادی فعلی وجود دارد. به طور خاص فرض کنید وقتی نرخ ارز بالا برود، بعد از آن قیمت مواد اولیه در بورس کالا بالا می‌رود و در ادامه محصولات صنعتی که خریدار مواد اولیه هستند نیز قیمتشان را افزایش می‌دهند و این افزایش قیمت به مرور از هر حلقه به حلقه دیگر منتقل می‌شود. بنابراین افزایش نرخ ارز در نظامات فعلی اقتصاد ایران ترکیب سپرده‌گذاران بانکی و میزان پس انداز بنگاه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد و قیمت‌ها را به شکل دائمی افزایش می‌دهد.

وی افزود: وقتی منشا شوک از مشکلات ارزی باشد، من معتقدم به هیچ عنوان سیاست‌های پولی نمیتواند برای کاهش آن کارایی داشته باشد. بنابراین سیاست‌های پولی و افزایش نرخ بهره در مهار قیمت‌ها ناشی از شوک‌های ارزی کارایی ندارد. سیاست‌گذار باید مهار بر منشا شوک اصلی تورمی داشته باشد که در شرایط فعلی بازار ارز است. بنابراین تا زمانی که دولت نتواند بر بازار ارز مهار داشته باشد، امکان مدیریت تورم از مسیرهای دیگر فراهم نخواهد بود. این کارشناس اقتصادی گفت: برای مدیریت بازار ارز نیز لازم است به تقاضاهای مشروع به روش مطلوب پاسخ بدهیم و در مقابل تقاضاهای غیرمشروع را مهار کنیم. من معتقدم اگر ابزارهای مناسب جذب سرمایه در اقتصاد ایران تعریف شود، بخش خوبی از سرمایه‌هایی که امروز خارج می‌شود، در داخل کشور برای پروژه‌های مولد به کار گرفته خواهد شد، اما در حال حاضر در این زمینه ضعف داریم و دولت هم برنامه ویژه‌ای برای تعریف این ابزارهای اقتصادی ندارد.

### تقویت تولید باید محور برنامه‌های مقابله با تورم باشد

معاون هماهنگی و محیط کسب و کار وزارت صمت وحدت رویه در اعمال سیاست‌های



اقتصادی را لازمه کارکرد آنها دانست و افزود: همانطور که سلطه مالی در اقتصاد مطلوب نیست، سلطه پولی هم مطلوب نیست و دولت نباید صرفاً به سیاست‌های پولی بها دهد. همچنین باید توجه داشت که در شرایط فعلی اقتصاد ایران سیاست‌های غیرپولی و مالی که به برخی از آنها اشاره شد کم‌اهمیت‌تر از سیاست‌های پولی و مالی نیستند. علاوه بر این دولت باید از تبدیل شدن متغیرهایی که روی آنها مهار لازم را ندارد، به لنگر اقتصاد کلان جلوگیری کند یا تلاش کند بر لنگرها مهار ایجاد کند.

سلمانی اضافه کرد: بحث بعدی پذیرش پیامد تصمیمات اتخاذ شده است درحالی‌که برخی مواقع دولت یک تصمیم می‌گیرد ولی عواقب آن را نمی‌پذیرد و برای آن چاره‌ای نمی‌اندیشد. در نهایت اینکه ما یکی از این دو راه را داریم که یا به سمت حمایت از تولید برویم و همه سیاست‌های دیگر بر همین مبنای حمایت از تولید در دستورکار قرار بگیرد که در نهایت به مرور زمان مسائل و مشکلات با رونق تولید رفع می‌شود؛ یا اینکه صرفاً به دنبال مهار قیمت‌ها و تورم بدون توجه به حمایت از صنایع و بخش تولید باشیم که این مسیر به عقیده من به نتیجه نمی‌رسد.

وی در پایان گفت: ما در وزارت صمت اولین تلاشمان بر این است که مواد اولیه صنایع و بخش تولید و همچنین انرژی مورد نیاز آنها به خوبی تامین شود. برای این مهم نیز برنامه ریزی مناسبی در بورس کالا و همچنین برنامه ریزی برای زمان کار کردن صنایع انجام داده‌ایم. در کنار این موارد رفع مشکلات صنایع نیز در دستورکار وزارت صمت قرار دارد. به طور خاص تاکید ما روی این بود که تامین مالی از طریق زنجیره‌ای انجام بگیرد و در این زمینه بانک مرکزی و وزارت اقتصاد نیز با ما همکاری کرده‌اند.

## تورم در علم اقتصاد به معنی افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌هاست

در این نشست سید مهدی حسینی دولت‌آبادی کارشناس اقتصاد کلان، ضمن اشاره به اینکه تورم به معنی افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌هاست، افزود: مرکز آمار و بانک

مرکزی سطح عمومی قیمت‌ها را در بازه‌های زمانی مختلف محاسبه می‌کنند و از طریق آن شاخص قیمت‌ها احصا می‌شود؛ تورمی که از طرف این نهادها اعلام می‌شود، تغییرات و در واقع نرخ رشد شاخص قیمت‌هاست. اما در علم اقتصاد مراد از تورم رشد مستمر و در بازه زمانی طولانی مدت سطح عمومی قیمت‌هاست.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: اتفاقاتی همچون افزایش قیمت انرژی، افزایش نرخ ارز، قحطی، جنگ، کمبود کالاهای اساسی و موارد مشابه می‌تواند بر شاخص قیمت‌ها و به تبع بر تورم اثرگذار باشد ولی اثرات این موارد یکباره است و در روند افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها موثر نیستند. وقوع شوک تورمی در صورتی که با عوامل بنیادین همراه نشود، صرفاً یک اثر موقتی دارد و نمی‌تواند بر روند بلندمدت افزایش قیمت‌ها موثر باشد.

وی افزود: بنابراین من معتقدم اینکه سوال شود علت تورم ناشی از افزایش نرخ ارز است یا نرخ رشد نقدینگی، یک دوگان غلط است، چراکه بر اساس تعریف فوق، مواردی همچون نرخ ارز صرفاً اثرات کوتاه مدت و مقطعی بر شاخص قیمت‌ها دارد ولی نرخ رشد نقدینگی از جمله عوامل بنیادین اثرگذار در نرخ تورم است. آن چیزی که می‌تواند به طور مدام یا مستمر بر شاخص قیمت‌ها اثر بگذارد، پول و نقدینگی است؛ چراکه اگر پول به اقتصاد تزریق شود، رشد قیمت‌ها در بلندمدت رخ نخواهد داد.

### ناترازی بانکی و بودجه‌ای ریشه تورم ساختاری اقتصاد ایران

حسینی دولت آبادی رشد نقدینگی را نیز معلول عواملی همچون ناترازی بانکی و بودجه‌ای در اقتصاد ایران عنوان کرد و افزود: همین دو مورد ناترازی نیز می‌تواند معلول عوامل دیگر باشد. به طور خاص در نظام بانکی مشکلات متعددی وجود دارد که به ناترازی در نظام بانکی منجر شده است و در خصوص کسری بودجه دولت نیز با مشکلات ساختاری گسترده مواجهیم. بانک‌های خصوصی در ایران برای تامین مالی نهادها تاسیس شده‌اند و این مسئله روند ناترازی آن‌ها را تشدید کرده است و بدون اصلاح مدل کسب و کار بانک‌ها و آیین نامه



اعطای تسهیلات به اشخاص مرتبط امکان رفع ناترازی بانکها نیست.

وی افزود: درخصوص کسری بودجه نیز مسئله مشابه است و دولت در بخش‌های مختلفی همچون صندوق‌های بازنشستگی ناترازی ایجاد کرده است که اثر آن در کسری بودجه نمایان است. کسری بودجه در اقتصاد ایران به مراتب بیشتر از آن چیزی است که هر ساله در زمان تصویب بودجه اعلام میشود، چراکه دولت علاوه بر بیش برآورد درآمدها و کم برآورد هزینه‌ها، بخش زیادی از هزینه‌های خود از جمله خرید تضمینی محصولات کشاورزی و کمک به صندوق‌های تامین اجتماعی را از طریق اقدامات فرابودجه‌ای انجام می‌دهد. علاوه بر این شیوه تامین مالی کسری بودجه دولت که از طریق استقراض مستقیم از بانک مرکزی انجام میشود، اثرگذاری تورمی این کسری بودجه را تشدید کرده است.

## مسئله امروز در مهار تورم مقابله با عوامل کوتاه مدت همچون جهش‌های ارزی است

این کارشناس اقتصادی ضمن اشاره به اینکه رفع مشکلات اساسی همچون ناترازی بانکی و بودجه‌ای به اقدامات بلندمدت نیاز دارد، افزود: من فکر میکنم مسئله امروز سیاست‌گذاران کشور در مهار تورم، رفع مشکلات ساختاری بلندمدت نیست و بیشتر درخصوص مواردی صحبت میشود که به طور موقتی تورم را از روند بلندمدت آن افزایش داده‌اند. مهمترین عاملی که در حال حاضر در کوتاه مدت موجب جهش تورمی شده، افزایش نرخ ارز است. در دهه‌های اخیر در اقتصاد ایران بارها جهش ارزی رخ داده که دلایل متعددی داشته‌است. به طور مثال جهش ارزی اوایل دهه ۱۳۹۰ هم معلول تورم بود و هم معلول تثبیت نرخ در کنار افزایش رشد نقدینگی بود.

وی در پاسخ به این سوال که آیا نرخ ارز میتواند بدون تناسب با متغیرهای پولی در یک اقتصاد جهش کند، گفت: این اتفاق ممکن است و شوک‌های بیرونی میتواند نرخ ارز را به مراتب بیشتر از میانگین رشد نقدینگی افزایش دهد. در اقتصاد ایران نیز در سال‌های اخیر

همین اتفاق افتاده و میانگین افزایش نرخ ارز به مراتب بیشتر از رشد نقدینگی بوده است. تشدید خروج سرمایه و کاهش درآمدهای ارزی دولت از جمله عوامل افزایش تقاضا و بعد از آن افزایش نرخ ارز در اقتصاد ایران بوده است و از آنجا که نرخ ارز لنگر اسمی در اقتصاد ایران است، پس از جهش آن همه قیمت‌ها نیز افزایش می‌یابد.

### بهبود تراز پرداخت‌ها مهمترین اقدام در مدیریت جهش‌های ارزی

حسینی دولت‌آبادی مهمترین اقدام برای مهار تورم کوتاه مدت در شرایط فعلی را مدیریت تراز پرداخت‌ها عنوان کرد و افزود: تشویق صادرات و محدودیت واردات و جلوگیری از خروج سرمایه و تشویق ورود سرمایه، از جمله مصادیق مهم مدیریت تراز پرداخت‌هاست که می‌تواند در مهار جهش‌های ارزی موثر باشد. اما باید توجه داشت که تثبیت نرخ ارز صادرکنندگان یا تخصیص ارز ارزان به واردات حرکت در جهت عکس این مسیر است و با افزایش انگیزه واردات و کاهش انگیزه بازگشت ارز صادراتی، موجب تشدید مشکلات کشور در زمینه تراز پرداخت‌ها می‌شود و جهش‌های ارزی را اثرگذارتر می‌کند.

وی ضمن تاکید بر اینکه هر سیاستی که بخواهد به شکل بنیادین مهار تورم را هدف قرار دهد، حتما اثر منفی بر تولید خواهد داشت، افزود: شوک‌های قیمتی از جمله در انرژی که در ماه‌های اخیر اقتصاد کشورهای جهان از جمله آمریکا با آن مواجه بوده است، به طور حتم به افزایش قیمت تمام شده کالاها منجر می‌شود. اما نقش سیاست پولی اینجا است که با کاهش ورود اعتبار، پول یا نقدینگی به اقتصاد، از اثر چرخه‌ای جهش‌های بیرونی جلوگیری کند. بنابراین حتی در صورتی که افزایش قیمت‌ها به شکل کوتاه مدت و ناشی از شوک‌های بیرونی باشد، بازهم سیاست‌های پولی انقباضی کارآمد است و می‌تواند در بازگشت سریعتر تورم به حالت بلندمدت کمک‌کننده باشد.





## تثبیت نرخ ارز صادرات وضعیت وخیم تراز پرداخت‌ها را تشدید می‌کند

حسینی دولت‌آبادی ضمن تأکید بر اینکه در شرایط تحریمی اقتصاد ایران، تک‌نرخ شدن ارز ممکن نیست، افزود: در شرایط فعلی بخشی از متقاضیان ارز نمیتوانند از مسیرهای رسمی و قانونی ارز خود را تأمین کنند و به طور حتم نمیتوان بازار غیر رسمی را به صفر رساند. بنابراین دو نرخ بودن گزینه‌ناپذیر است اما بحث بر سر میزان تفاوت قیمت در بازار رسمی و غیر رسمی است که هرچه فاصله آن بیشتر شود در چرخه‌ای تکرار شونده فاصله بیشتر و بیشتر میشود. بنابراین توصیه ما به دولت این نیست که ارز را تک‌نرخ کند، بلکه باید از تثبیت نرخ بر قیمت‌هایی که انگیزه فرار سرمایه و افزایش واردات را تشدید میکند، پرهیز کند و در مقابل به اعمال محدودیت بر واردات و تشویق صادرکنندگان روی بیاورد. این سیاست در کنار جلوگیری از تشدید مشکلات ساختاری که موجب رشد بی‌ضابطه نقدینگی می‌شود، میتواند در بلندمدت هدف مهار تورم را محقق کند.

این کارشناس اقتصادی در پایان ضمن انتقاد از عدم وحدت رویه دولت در اعمال سیاست‌های مهار تورم گفت: ایجاد وفاق نظری در خصوص شیوه مقابله با تورم در گروه اقتصادی دولت، اولویت اصلی است و بعد از آن می‌توان انتظار داشت سیاستی در دستور کار قرار بگیرد و دنبال شود.

## جهش‌های تورمی تمرکز تولیدکننده را برهم می‌زند

در این نشست **علی بهادر** کارشناس اقتصادی، ضمن تفکیک عوامل اثرگذار بر تورم به دو دسته سمت عرضه و تقاضا، گفت: عواملی همچون افزایش حداقل دستمزد، جنگ اوکراین، مردمی‌سازی یارانه‌ها، تغییر حقوق گمرکی و جهش‌های ارزی ناشی از خروج سرمایه، ذیل عوامل بخش عرضه اقتصاد قرار می‌گیرند که باعث تورم شده‌اند و در سمت تقاضا نیز مواردی همچون ناترازی‌های مختلفی در بانک‌ها، بودجه دولت و صندوق‌های بازنشستگی

قابل طرح است. به عقیده من در حال حاضر نرخ تورم ساختاری و بلندمدت اقتصاد ایران که از عوامل سمت تقاضا ناشی می‌شود در حدود ۴۰ درصد است و عوامل سمت عرضه با تشدید شرایط آن را در کوتاه مدت به حدود ۶۰ درصد کنونی رسانده است.

وی افزود: اینکه گفته می‌شود تورم فعلی ایران ناشی از افزایش هزینه تولید است، من معتقدم هر نوع افزایش قیمتی در اقتصاد در نهایت خود را در افزایش هزینه بخشی از فعالین اقتصادی نشان می‌دهد و بنابراین نمیتوان عوامل بنیادین سمت تقاضا را در تورم فعلی اقتصاد ایران نادیده گرفت. عوامل سمت عرضه در کوتاه مدت بر تورم اثر گذارند و اگر به درستی مدیریت شوند، به سرعت اثر آن‌ها بر تورم از بین می‌رود؛ ولی عوامل ساختاری و ناترازی موجود در اقتصاد ایران، به سرعت و با اقداماتی همچون محدودیت در رشد نقدینگی قابل مدیریت نیست.

بهادر ضمن بیان اینکه تورم بالا موجب ضرر بخش‌های تولیدی می‌شود، گفت: بی‌ثباتی و وقوع موج‌های تورمی بالا تمرکز تولیدکننده را برهم می‌زند و از این جهت مهار تورم یک هدف میانی برای کمک به تولید است. اما علاوه بر این حاکم کردن آرامش روحی و روانی در جامعه از طریق کاهش تورم نیز یک مطلوبیت است و میتواند به خودی خود یک هدف برای سیاست‌گذار باشد.

### اصلاحات ساختاری در بودجه و نظام بانکی تنها راه کاهش تورم در بلندمدت

این کارشناس اقتصادی تحقق آرامش سیاسی را پیش نیاز مهم حرکت به سمت مهار تورم در اقتصاد ایران عنوان کرد و افزود: دولت به سمت کاهش تنش‌های منطقه‌ای حرکت کرده‌است و این مسئله اگر با بهبود شرایط نظام پرداخت‌های خارجی کشور همراه شود، میتواند بخشی از مشکلات کشور که مانع ایجاد ثبات در اقتصاد ایران است را مرتفع کند.



بهادر مسئله مهم دیگر را مهار **کسری بودجه** عنوان کرد و افزود: بالا بودن تورم هر ساله کسری بودجه دولت را نیز تشدید می‌کند؛ چراکه این کسری عمدتاً ناشی از پرداخت‌های یارانه‌ای به نان یا دارو یا موارد مشابه است که با تورم‌های بالا دولت باید هزینه‌های خود در این زمینه‌ها را نیز بیشتر کند. بنابراین برای کاهش روند بلندمدت تورم، اصلاحات اساسی در بودجه و محدود نمودن کسری بودجه ضروری است.

این کارشناس اقتصادی اضافه کرد: هر چند اصلاحاتی که در تورم‌های بالا انجام می‌شود ماندگار نیست و در شرایط فعلی عملاً دولت باید انرژی خود را بر کاهش تورم به ارقام زیر ۲۰ درصد متمرکز کند و پس از آن برای مهار بیشتر تورم به سراغ اصلاحات اساسی و ساختاری برود؛ حتی اگر این سیاست در کوتاه مدت تولید را تحت تاثیر قرار دهد. در حال حاضر بانک مرکزی با اعمال سیاست محدودیت افزایش ترانزنامه بانک‌ها توانسته گام‌های خوبی بردارد و نرخ رشد نقدینگی را در حدود ۳۱ درصد محدود کرده است انتظار می‌رود تداوم آن شرایط را برای کاهش تورم فراهم کند.

وی اصلاح نظام بانکی را اقدام اساسی دیگر در کاهش تورم دانست و افزود: رفع مشکل ناترازی بانک‌ها برای مهار تورم ضروری است اما پیش نیاز این مهم مدیریت بهینه بدهی‌های دولت از طریق ایجاد ابزارهای خرید و فروش اوراق بدهی است که در حال حاضر دولت در این زمینه ضعف دارد. بخش دیگری از اصلاحات باید در نظام بانز نشستگی به ویژه در بانزنگری در تخفیفات در این حوزه انجام شود که مخاطرات زیادی از جمله در تشدید وضعیت تورم ساختاری کشور ایجاد کرده است.

بهادر در پایان ضمن انتقاد از سیاست **تثبیت نرخ ارز**، گفت: در شرایط تورمی اقتصاد ایران امکان تثبیت نرخ ارز جز برای بازه زمانی محدود و چند ماهه فراهم نیست و بهتر است دولت با صرف نظر از مزایای کوتاه مدت چنین سیاستی، کاهش تورم در بلندمدت را در اولویت قرار دهد؛ حتی اگر این سیاست در کوتاه مدت بخش تولید را با محدودیت‌هایی مواجه کند.



## نشست «بررسی اولویت‌های سیاست‌گذاری در مهار تورم»

### پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد

نشست چهارم از سلسله نشست تخصصی «تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها» با موضوع «بررسی اولویت‌های سیاست‌گذاری در مهار تورم» روز سه‌شنبه ۳۰ خردادماه ۱۴۰۲ در پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد و در چارچوب «گفتگوهای مسیر پیشرفت» اندیشکده اقتصاد مقاومتی برگزار شد.

در این نشست آقایان مهدی دارابی کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس، محمدطاهر رحیمی کارشناس اقتصادی، پوریا فتحلی کارشناس اقتصادی و محمد قائدامینی کارشناس گروه پول و بانک اندیشکده اقتصاد مقاومتی حضور داشتند.



## افزایش نرخ ارز با افزایش هزینه‌های دولت به کسری بودجه دامن میزند

محمدطاهر رحیمی کارشناس اقتصادی در این نشست ضمن اشاره به ریشه‌های متفاوت تورم اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر گفت: ناترازی‌های اقتصاد ایران در دهه ۸۰ با درآمدهای نفتی پوشش داده شد و در این بازه رشد نقدینگی عامل اصلی تورم در اقتصاد ایران بوده است اما در دهه ۹۰ به دلیل کاهش درآمدهای نفتی، با جهش‌های ارزی مواجه شدیم که عامل اصلی جهش‌های تورمی بوده و موجب اختلال در بازار پول و بازار کالا و همچنین بازار کار در کشور شده است.

وی تاکید کرد: افزایش نرخ ارز هزینه‌های دولت را نیز افزایش می‌دهد و تا به حال محاسبات درستی در خصوص کسش‌پذیری هزینه‌های دولت با تغییر نرخ ارز انجام نشده است. نکته دیگر اینکه افزایش نرخ ارز موجب افزایش خروج سرمایه می‌شود و علاوه بر این عرضه را در بازار کار مختل می‌کند و هزینه بنگاه‌ها را از این ناحیه نیز افزایش می‌دهد. وقتی با جهش ارزی مواجه می‌شویم، بهره حقیقی کاهش پیدا می‌کند، نقدینگی رشد پیدا میکند، سیالیت نقدینگی افزایش می‌یابد، هزینه‌های دولت و بنگاه‌ها بیشتر می‌شود، هزینه تامین مالی فعالیت‌های مولد افزایش می‌یابد و در مجموع رشد نرخ ارز موجب رکود و تورم به صورت همزمان در اقتصاد کشور می‌شود.

### رشد نقدینگی در دهه اخیر معلول جهش‌های ارزی بوده است

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: به افزایش نقدینگی باید به عنوان معلول نگاه کنیم، چراکه افزایش تقاضای نقدینگی از سوی بنگاه‌ها یکی از نتایج جهش‌های ارزی است. نکته مهم اینکه وقتی جهش‌های ارزی بارها در اقتصاد کشور تکرار شده است، نمی‌توان اثر آن در تورم را یک روند کوتاه مدت تصور کرد. در اقتصاد ایران نرخ ارز لنگر انتظارات است و به همین

دلیل به تنهایی کارآمد نیست. به این ترتیب اقداماتی همچون افزایش نرخ بهره برای همه فعالین اقتصادی یا مهار ترازنامه بانک‌ها به یک شکل ثابت و بدون توجه به مقاصد اعتبارات، نمی‌تواند اثرگذاری قابل توجهی در مهار تورم داشته باشد.

### مهار ترازنامه بانک‌ها باید با سیاست هدایت اعتبار همراه شود

وی ضمن انتقاد از بانک مرکزی در عدم پاسخگویی به نیاز ذخایر بانک‌ها گفت: وقتی سیاست‌هایی همچون هدایت اعتبار و هدایت نقدینگی در سیاست‌های بانک مرکزی جایی ندارد، به طور حتم مهار ترازنامه به شکل کنونی نمی‌تواند در مهار تورم موثر واقع شود. در حال حاضر سهم امهال بر اساس آمارهای غیررسمی در تسهیلات بانکی حدود ۵۰ درصد است و عمده بانک‌ها در حال تامین مالی سهامداران خود هستند که نشان می‌دهد مصارف تسهیلات بانکی به هیچ عنوان مطلوب اقتصاد ایران نیست و حتما باید برای تغییر ترکیب این مهم برنامه‌ریزی شود.

این کارشناس اقتصادی افزود: در حال حاضر بار اصلی اشتغال در کشور بر دوش مشاغل کوچک و متوسط است که فشار بانک مرکزی بر ترازنامه بانک‌ها، بیشترین فشار را بر تسهیلات‌دهی بانک‌ها به این بخش آورده و موجب شده وام‌های بانک‌ها به مردم و کسب و کارهای کوچک و متوسط به شدت کاهش پیدا کند. بنابراین مهار ترازنامه به شکل فعلی موجب حذف بخش‌های مولد از تسهیلات بانکی شده است و در آینده اثرات نامطلوب آن بر اقتصاد کشور نمایان خواهد شد. بانک مرکزی در چنین شرایطی حتی در حال فروش دارایی‌های خارجی و کاهش پایه پولی از این ناحیه است.



## کسری بودجه دولت عامل اصلی رشد نقدینگی نیست

رحیمی ادامه داد: کسری بودجه دولت زمانی باعث رشد نقدینگی می‌شود که کل‌های پولی را تکان بدهد و در واقع یا باید پایه پولی افزایش پیدا کند یا باید بدهی دولت به نظام بانکی افزایش پیدا کند و از مسیر غیرمستقیم پایه پولی افزایش پیدا کند. اما براساس بررسی ترازنامه بانک‌ها این روند مشهود نیست و نمی‌توان گفت عامل اصلی رشد نقدینگی در کشور کسری بودجه دولت است. در حال حاضر اضافه برداشت بانک‌های خصوصی بیشتر از بانک‌های دولتی است و سهم بدهی دولت به بانک‌ها نیز روند افزایشی ندارد، بنابراین نمی‌توان ادعا کرد کسری بودجه دولت عامل مسلط رشد نقدینگی است. نکته دیگر اینکه کسری بودجه دولت خود معلول مواردی همچون جهش‌های ارزی است. در واقع کسری بودجه نیز از مسیر تشدید ناترازی تجاری موجب تورم در اقتصاد ایران شده است.

## جهش‌های ارزی عامل اصلی تورم اقتصاد ایران است

وی ضمن برشمردن دلایل افزایش قیمت‌ها در اقتصاد ایران خصوصا از ناحیه سمت عرضه، گفت: مردم نه تنها با فشار تقاضا دلیل افزایش قیمت نیستند، بلکه قدرت خرید آن‌ها در سال‌های اخیر کاهش یافته و نمی‌توان ادعا کرد رشد نقدینگی عامل مسلط بر تورم بوده است. در سال‌های اخیر جهش‌های ارزی عامل مسلط بر افزایش هزینه‌های تولید و افزایش قیمت کالاها در اقتصاد ایران بوده و در میان مدت جهش‌های ارزی نیز موجب رشد نقدینگی نیز شده و تورم بالا را در اقتصاد ایران پایدار کرده است.

## مهار جریان پول و کالا لازمه اساسی نقش آفرینی مطلوب دولت در مهار تورم

رحیمی با تاکید بر اینکه صرف فشار برای کاهش نقدینگی در اقتصاد ایران، به تشدید رکود منجر می‌شود، افزود: این مسئله در بلندمدت می‌تواند تورم را تشدید کند چراکه یکی از دلایل بلندمدت تورم در اقتصاد ایران، مشکلات سمت تولید است که با کاهش دسترسی به نقدینگی تشدید می‌شود. برای مهار تورم حتما لازم است اقداماتی برای مهار گردش پول و مهار جریان کالا نیز در دستور کار قرار بگیرد؛ به طور مثال در اقتصاد ایران این امکان وجود دارد که به یکباره تقاضا برای خرید یک کالای واسطه‌ای تولید دو تا سه برابر شود که چیزی جز تقاضای کاذب برای انبار کردن و کسب سود از این ناحیه نیست و باید با مهار جریان پول و جریان کالا مهار شود و بدون این سیاست‌ها امکان مهار تورم فراهم نیست.

این کارشناس اقتصادی در پایان تاکید کرد: در حال حاضر در اقتصاد ایران یک بازار ارز سالم حاکم نیست که بتوانیم تعیین قیمت را به آن بسپاریم. به عقیده من تا زمانی که سیاست‌های مالیاتی، هدایت اعتبار، حکمرانی ریال، حکمرانی ارزی و حکمرانی جریان کالا در اقتصاد ایران اعمال نشود، یک بازار با شرایط مناسب آن در اقتصاد ایران وجود ندارد و صحبت از مدل‌های تعیین نرخ وجهی ندارد و کارا نخواهد بود.

## مازاد تقاضای خرج کردن ریشه تورم در اقتصاد ایران است

**مهدی دارابی** کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس، در این نشست ضمن اشاره به اینکه در مورد اثر ناترازی‌ها بر تورم اقتصاد ایران بین کارشناسان اتفاق نظر وجود دارد، گفت: ناترازی در واقع به این معنی است که در اقتصاد ایران، بیش از میزان تولید هزینه می‌شود و این مسئله موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود تا مازاد تقاضا از بین برود. مانده حقیقی نقدینگی در اقتصاد ایران مثل همه کشورهای نفتی در دهه‌های اخیر افزایش یافته است. مازاد تقاضای





خرج کردن در اقتصاد ایران در مواردی همچون کسری بودجه دولت، کسری صندوق‌های بازنشستگی، زیان‌ده بودن بنگاه‌های بزرگ همچون خودروسازان، واردات محصولات کشاورزی از طرف شرکت‌های دولتی با هدف تثبیت قیمت‌ها نمایان است. مازاد تقاضای خرج کردن از دهه ۱۳۵۰ در اقتصاد ایران وجود دارد و به خوبی خود را در رشد نقدینگی مازاد بر تولید نشان داده است.

کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس افزود: این مازاد تقاضای خرج کردن موجب شده است کسانی همچون دولت و بنگاه‌های دولتی که به نقدینگی دسترسی دارند، بتوانند بیش از توان تولید خود در اقتصاد هزینه بکنند. در این شرایط تولید داخلی کفاف نیاز داخلی را نمی‌دهد و افراد به سمت محصولات وارداتی سوق پیدا می‌کنند. اما واردات نیاز به صادرات دارد در حالی که رشد صادرات در اقتصاد ایران به قدری نبوده است که توان واردات را ایجاد کند.

## کاهش قیمت نفت ناترازی‌های اقتصاد ایران را تشدید کرد

دارایی بیان داشت: در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ مازاد رشد نقدینگی به طور متوسط ۲۰ درصد، تورم ۲۰ درصد و رشد نرخ ارز نیز ۲۰ درصد بوده است. در این بازه رشد صادرات به طور متوسط با رشد تولید داخلی برابر بوده است. در دهه ۸۰ رشد صادرات کشور به طور متوسط ۳ درصد بیشتر از رشد تولید داخلی بود ولی به دلیل رابطه مبادله و افزایش قیمت نفت، توان وارداتی به شدت افزایش یافت. در واقع در این بازه مازاد توان خرج کردن با افزایش واردات و به تعبیری کالاهای رایگان وارداتی پوشش داده شد.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: در سال ۲۰۱۵ قیمت نفت به شدت کاهش یافت. اما در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ با وجود افزایش نرخ ارز در اغلب کشورهای نفتی، به دلیل بالا بودن نرخ سود سپرده بانکی در ایران، نرخ ارز حقیقی افزایش نیافت و در واقع رشد نرخ ارز کمتر از تفاوت تورم داخلی و خارجی بود و عملاً رشد نرخ ارز به تاخیر افتاد تا سال ۱۳۹۷ که دیگر امکان بالا نگه داشتن نرخ بهره وجود نداشت. این شرایط با افزایش تحریم‌ها از

سوی آمریکا همراه شد و به کاهش درآمدهای نفتی دامن زد که در نهایت به جهش ارزی منجر شد. در سال ۱۳۹۱ جهش ارزی عمدتاً ناشی از کاهش درآمدهای نفتی بود ولی در سال ۱۳۹۷ جهش ارزی عمدتاً به دلیل نرخ سود بانکی بود.

وی همچنین گفت: در سال‌های اخیر به دلیل کاهش قیمت نفت توان واردات در ازای صادرات ایران به شدت کاهش پیدا کرده و حتی از زمان دهه ۶۰ و ۷۰ نیز کمتر شده است. از سال ۹۷ مزیت ایران در صادرات نفت به کل از بین رفت و رابطه مبادله ایران وضعیت بدتری پیدا کرده است. به همین دلیل در ۵ سال اخیر به طور متوسط تورم و رشد نرخ ارز بیشتر از رشد نقدینگی بوده و دلیل آن را باید در این جستجو کرد که تورم صرفاً ناشی از رشد نقدینگی نبوده است.

### خروج سرمایه ناشی از نااطمینانی و سیاست‌های غلط، ریشه جهش ارزی و تورمی است

دارایی اضافه کرد: این بدان معنی نیست که رشد نقدینگی در تورم اثر ندارد، بلکه به این معنی است که تورم از مسیر جهش ارزی و کاهش توان وارداتی ایران نیز افزایش یافته است. در این مدت خروج سرمایه نیز بر افزایش نرخ ارز و تورم در اقتصاد ایران تأثیر گذار بوده است. مواردی همچون نااطمینانی و سیاست‌های اقتصادی در تشدید خروج سرمایه اثرگذار بوده است. مواردی همچون تأخیر در واردات کالا از سوی واردکنندگان یا تأخیر در بازگشت ارز صادراتی از سوی صادرکنندگان نیز باید به عنوان خروج سرمایه تعبیر شود.

این کارشناس اقتصادی اظهار داشت: اینکه نرخ ارز باعث تورم می‌شود گزاره درستی است، اما باید توجه داشت که جدای اثرات روانی جهش‌های ارزی، آن چیزی که موجب افزایش نرخ ارز شده، یعنی خروج سرمایه و کاهش توان وارداتی ایران، دلیل و ریشه تورم نیز است. وی عامل اصلی تورم بلندمدت در اقتصاد ایران را ناترازی‌های بانکی و بودجه‌ای دانست و



تاکید کرد: وقتی برای مدتی نرخ ارز را به هر دلیلی سرکوب می‌کنیم، ناترازی در اقتصاد ایران تشدید می‌شود. در خصوص رابطه مبادله نیز دلیل اصلی شرایط نامطلوب ایران تحریم‌ها، کاهش قیمت نفت و هزینه بالای مبادلات است که شاید بتوان گفت دست کم در کوتاه مدت نمی‌توانیم بهبود آن را محقق کنیم. خروج سرمایه ناشی از نااطمینانی در اقتصاد ایران نیز یکی از عوامل اصلی تورم در اقتصاد ایران است. مهمترین اقدامی که باید برای مهار تورم در دستور کار قرار بگیرد کاهش ناترازی‌هاست که اقدامات مربوط به آن باید در یک برنامه جامع در دستور کار قرار بگیرد و به طور حتم هزینه آن نیز بالا خواهد بود.

### مهار ترازنامه بانک‌ها در کاهش رشد نقدینگی موفق بود

دارایی افزود: مهار ترازنامه توانست رشد نقدینگی در اقتصاد کشور را تا حدودی مهار کند ولی اثر آن بر کل اقتصاد یکسان بود و بسیاری از بنگاه‌های تولیدی را نیز با کمبود نقدینگی مواجه کرد و تنها به عنوان یک راهکار کوتاه مدت قابل ادامه است. این اقدام زمانی مفید است که یک فرصت تنفس دو سه ساله برای حل ناترازی‌های اقتصاد فراهم کند و به تنهایی نمی‌تواند در بلندمدت اثرگذار باشد. در عین حال بالاتر بودن تورم در مقایسه با نرخ رشد نقدینگی به این معنی نیست که رشد نقدینگی در تورم اثرگذار نیست و بنابراین در شرایط فعلی اقتصاد ایران مهار ترازنامه نباید متوقف شود.

### افزایش نرخ بهره در اقتصاد ایران به تشدید رشد نقدینگی منجر می‌شود

این کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس تاکید داشت: اقدام دیگری که برای مهار تورم در دستور کار قرار گرفت، افزایش نرخ بهره بود. ترازنامه بانک‌ها در اقتصاد ایران به نحوی است که نرخ بهره بر رشد نقدینگی به سرعت اثر می‌گذارد و در مقابل هیچ اثری در افزایش

درآمدهای بانک‌ها ندارد. بنابراین افزایش نرخ بهره نمی‌تواند به مهار تورم منجر شود. وی افزود: یکی از مهمترین اقدامات برای مهار تورم، مهار واردات است که اگر سیاستی مثل تخصیص ارز ارزان به واردات در دستور کار قرار بگیرد، دقیقاً در عکس این مهم عمل می‌کند و انتظار این است که ارز ۲۸ هزار تومانی در سال جاری واردات کالاهای اساسی و دیگر کالاها را به شدت افزایش دهد. تخصیص ارز ارزان به ایجاد صف در بازار رسمی ارز و همچنین افزایش تقاضا در بازار غیررسمی ارز منجر می‌شود که هر دو مورد در افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی اثرگذار است.

### طراحی «مدل توسعه» اولین گام در اصلاح ریشه‌های تورم بالای اقتصاد ایران است

دارایی در ادامه گفت: به نظر من دولت و حاکمیت باید درخصوص توسعه تصمیم بگیرند و در چارچوب توسعه باید به هدایت اعتبار پاسخ داده شود و در صورتی که برنامه‌ای برای توسعه نداشته باشیم، نمی‌توان برنامه‌ای برای بهبود نظام رفاهی، بازار ارز، نقش ایران در معاملات جهانی و موارد مشابه در دستور کار قرار داد. در این شرایط برنامه هفتم توسعه نیز بدون هیچ دورنمای مشخصی از مدل توسعه، نمی‌تواند بر بهبود شرایط اثر بگذارد.

وی ضمن تأکید بر ضرورت نقش‌آفرینی صحیح دولت گفت: این اتفاق نظر وجود دارد که بدون ایجاد شفافیت در جریان پول و کالا دولت نمی‌تواند نقش‌آفرینی مطلوب خود را در اقتصاد اعمال کند و در واقع هرچه حکمرانی ریال، نظام مالیاتی و نظارت بر جریان‌های پولی بهبود پیدا کند، دست دولت در اعمال سیاست‌ها باز می‌شود، اما نباید اینطور تعبیر کرد که بدون اعمال این اصلاحات که زمان زیادی برای اصلاح آن‌ها نیاز است، دولت باید سیاست‌هایی مثل قیمت‌دستوری را اعمال کند. در واقع باید برای کوتاه مدت نیز سیاست‌هایی اعمال شود که بهینه باشد.



## رشد نقدینگی عامل مهم در تورم اقتصاد ایران است

**پوریا فتحعلی** کارشناس اقتصادی در این نشست گفت: برخی معتقدند رشد نقدینگی از کانال‌هایی همچون کسری بودجه دولت ایجاد می‌شود و برخی نیز معتقدند رشد نرخ ارز موجب افزایش تقاضای نقدینگی و افزایش آن می‌شود. بنابراین حتی اگر فرض کنیم رشد نقدینگی معلول جهش‌های ارزی است، رشد نقدینگی از نظر تمامی کارشناسان به تورم و افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود.

وی ادامه داد: اینکه چرا نقدینگی در حال رشد است را می‌توان در چند مورد کلی توضیح داد. یک دلالت این است که دولت کسری بودجه نمایان یا عملیات فرابودجهای خود را در سال‌های اخیر با خلق نقدینگی پوشش داده است. از جمله این موارد می‌توان به اختصاص ارز ارزان به واردات، ساخت مسکن، خرید تضمینی گندم، تنظیم بازار، اجرای طرح‌های عمرانی، توسعه میادین نفتی و گازی، حمایت از بنگاه‌های بزرگ، تامین منابع صندوق‌های بانکشستگی و موارد مشابه اشاره کرد که دولت برای تامین منابع آن‌ها یا به خلق نقدینگی جدید یا به منابع بانکی دست اندازی کرده است.

## عرضه ارز در اقتصاد ایران عمدتاً ناشی از صادرات انرژی است

فتحعلی افزود: در حال حاضر حدود ۳۰ درصد مانده نقدینگی در بانک‌ها ناشی از اقلام رفاهی دولت است که عملاً برگشتی برای آن‌ها قابل تصور نیست. عملاً می‌توان گفت بعد از کاهش درآمدهای نفتی، دولت هزینه‌های فزاینده خود را از طریق منابع بانکی تامین کرده که به رشد نقدینگی دامن زده است. من معتقدم که اقتصاد ایران از دهه ۴۰ به بعد عملاً سیاست پولی اعمال نکرده و این مسئله نیز یکی از دلایل تشدید ناترازی در اقتصاد ایران بوده است. این کارشناس اقتصادی بیان داشت: عرضه ارز در اقتصاد ایران عمدتاً ناشی از صادرات انرژی است و این مسئله موجب شده است هرآنچه بر کاهش صادرات نفت یا فرآورده‌های

نفتی اثر منفی می‌گذارد، به سرعت بر نرخ ارز نیز اثرگذار باشد. از جمله اینکه افزایش مصرف انرژی داخلی و تشدید ناترازی تولید برق یا گاز به سرعت به کاهش صادرات و در نتیجه افزایش نرخ ارز منجر می‌شود. نکته دیگر اینکه اگر دولت با مدیریت ثبت سفارش‌ها اجازه واردات برخی از کالاها از جمله لوازم خانگی را ندهد، این تقاضا به بازار غیررسمی منتقل می‌شود.

وی همچنین گفت: علاوه بر این اگر دولت برای نرخ ارز صادراتی سقف تعیین کند نیز خود می‌تواند عامل شوک بر بازار ارز شود چرا که تقاضا و ثبت سفارش واردات را به شدت افزایش می‌دهد. بنابراین در بازار ارز مهمترین عوامل سهم بالای انرژی در صادرات کشور و سیاست‌های نامناسب بانک مرکزی است که موجب جهش‌های ارزی شده است.

### **۳۰ میلیارد دلار بار مالی مازاد روی نظام بانکی و نظام تامین مالی کشور قرار دارد**

فتحعلی سرمایه در گردش را یکی از نیازهای واقعی بنگاه‌ها دانست و افزود: در مقایسه با دیگر کشورها که تورم پایینی دارند، بنگاه‌ها در ایران دو برابر بیشتر سرمایه در گردش نگهداری می‌کنند که نشان می‌دهد بخشی از سود بنگاه‌ها از محل استفاده از سرمایه در گردش آن‌ها تامین می‌شود که ارتباط مستقیمی به فعالیت تولیدی و مولد آن‌ها ندارد. بنابراین اینکه بنگاه‌ها در اقتصاد ایران بیش از حد به نگهداری سرمایه در گردش نیاز دارند یک واقعیت است و بخشی از آن باید به مرور اصلاح شود. در واقع اینکه بنگاه‌ها مازاد موجودی انبار دارند و از این ناحیه سود می‌کنند باید اصلاح شود.

این کارشناس اقتصادی افزود: به عقیده من حدود ۳۰ میلیارد دلار بار مالی مازاد روی نظام بانکی و نظام تامین مالی کشور قرار دارد که باید برداشته شود. یکی از مهمترین اقدامات در این زمینه کارا کردن نظام رفاهی است. در واقع هزینه‌ای که امروز دولت در نظام رفاهی انجام می‌دهد کارا نیست. در حال حاضر دولت از مسیر نظام قیمتگذاری، نظام بیمه‌ای و



پرداخت مستقیم از مردم حمایت می‌کند که بر اساس آمارها به سمت افشار با درآمدهای بالا سوق پیدا کرده است؛ هرچه بتوانیم حمایت‌ها را به جای قیمتگذاری به سمت حمایت بر اساس اطلاعات و حمایت از کد ملی ببریم، با هزینه کمتر رفاه بیشتری ایجاد می‌شود.

## هدایت اعتبارات بانکی بر اساس نظام سنجش اعتبار یکی از اقدامات کاهش بار تامین مالی

وی همچنین اظهار داشت: اقدام دیگر برای کاهش بار تامین مالی، هدایت اعتبارات بانکی بر اساس نظام سنجش اعتبار است که موجب می‌شود بسیاری از افرادی که امروز متقاضی تسهیلات هستند، به دلایل مشخص از جمله عدم تولید یا اشتغال، از مقاصد اعتبارات بانکی خارج شوند. مسئله دیگر ضرورت کاهش مصرف انرژی در داخل اقتصاد ایران است که باید دست کم ۲۰ درصد آن کاهش یابد که می‌تواند از مسیر صادرات و افزایش ارزآوری روی نرخ ارز نیز اثرگذار باشد.

فتحعلی اضافه کرد: مسئله دیگر ضرورت تامین بخشی از نیازهای تامین مالی از مسیرهایی غیر از نظام بانکی است که در سال‌های اخیر اقداماتی نیز در این زمینه در دستور کار قرار گرفته است. ایجاد رشد اقتصادی مسئله دیگری است که برای مهار تورم و ایجاد توان تامین مالی ضروری است و باید از مسیر تشویق سرمایه‌گذاران در دستور کار قرار بگیرد.

وی در پایان گفت: سهم دولت در ترازنامه بانک‌ها به مراتب بیشتر از آن چیزی است که در ظاهر گزارش می‌شود. در مهار ترازنامه تسهیلات‌دهی بانک‌ها محدود شد. هدف از این سیاست اعمال یک سیاست انقباضی است اما نواقصی دارد که نمی‌تواند به طور کلی در رشد نقدینگی اثرگذار باشد و باید با سیاست‌های تکمیلی بهبود یابد، اما اعمال همین سیاست بهتر از انفعال است که نتیجه آن می‌تواند بی‌انضباطی پولی بیشتر باشد.

## سیاست‌گذاری یعنی تصمیم و هیچ تصمیم بدون هزینه‌ای وجود ندارد

**محمد قائدامینی** کارشناس گروه پول و بانک اندیشکده اقتصاد مقاومتی در این نشست گفت: نسبت به آسیب‌های تورم آگاهیم، مخصوصاً آسیب‌هایی که در زمینه تغییر در توزیع درآمدها ایجاد می‌کند اما باید سیاست‌های مهار تورم را هزینه — فایده کرد، چرا که در برخی نقاط، هزینه‌های کاهش بیشتر تورم می‌تواند از منافع آن بیشتر شود. باید به این مساله آگاه شویم که سیاست‌گذاری یعنی تصمیم و هیچ تصمیم بدون هزینه‌ای وجود ندارد. بنابراین بجای دادن نسخه‌های کلی کمینه‌سازی تورم، باید هزینه فایده کرد و تصمیمی اتخاذ نمود که بیشترین فایده و کمترین هزینه را دارد.

## آنچه مردم از مهار تورم میخواهند متفاوت است از تعریف فنی تورم

این کارشناس اندیشکده اقتصاد مقاومتی اظهار داشت: منظور اقتصاددانان از تورم، رشد مستمر سطح عمومی قیمت‌هاست؛ یعنی دو ویژگی «مستمر» و «سطح عمومی قیمت‌ها» را دربر دارد. به این ترتیب شوک‌های قیمتی یا افزایش یک یا چند کالا به عنوان تورم در دید اقتصاددانان مطرح نیست اما از نگاه مردم شوک‌های قیمتی و افزایش قیمت یک یا چند کالای محدود نیز به عنوان معضلی اقتصادی به شمار می‌رود. همچنین در شاخص تورمی که از طرف بانک مرکزی محاسبه می‌شود نیز افزایش در یک یا چند قلم کالا در نهایت به افزایش شاخص قیمت و نرخ تورم رسمی منجر می‌شود. بنابراین باید مشخص کنیم وقتی قصد مهار تورم داریم، چه متغیرهایی را میخواهیم تغییر دهیم.





## لزوم تفکیک میان سه مفهوم قدرت خرید<sup>۱</sup>، تورم پایین<sup>۲</sup> و تورم باثبات<sup>۳</sup>

وی با اشاره به اینکه مفهوم تورم در نگاه عموم مردم بیشتر از آنکه به افزایش ارقام پولی معطوف باشد، به کاهش قدرت خرید کالا در اقتصاد برمی‌گردد، افزود: در واقع در بازه‌هایی که تورم پایین است ولی قدرت خرید مردم تقویت نمی‌شود، مردم همچنان از افزایش قیمت‌ها ناراضی هستند.

این کارشناس پول و بانک ادامه داد: در طرف مقابل زمانی که قدرت خرید مردم حفظ می‌شود، مردم چندان از تورم و افزایش قیمت‌ها ابراز نارضایتی نمی‌کنند. بنابراین باید بین سه مفهوم **قدرت خرید**، تورم پایدار و تورم پایین تفاوت قائل شویم و یکی از این موارد را به عنوان هدف اصلی در نظر بگیریم و در نظر داشته باشیم که هر تصمیم دولت در هدف‌گذاری کاهش تورم باید با هزینه فایده در دستور کار قرار بگیرد.

## ۴ پیش‌فرض نادرست تحلیل تورم در اقتصاد ایران

قائدامینی اضافه کرد: تحلیل تورم در اقتصاد ایران مبتنی بر ۴ پیش‌فرض اساسی بوده که یا اساساً از حیث نظری محل مناقشه هستند یا اینکه متناسب با واقعیات و مختصات اقتصاد ایران نیستند، این پیش‌فرض‌ها عبارتند از: ۱) تورم را کاملاً متأثر از عوامل طرف تقاضا (نقدینگی) می‌داند و نقشی برای اختلالات سمت عرضه در تورم قائل نیست. ۲) رشد نقدینگی (خلق پول) را برون‌زا و تحت اراده دولت می‌داند. یعنی صرفاً دولت (بانک مرکزی) عامل رشد نقدینگی است (فرض نظام پولی بسته). ۳) قیمت‌ها را در ساختاری رقابتی و

1. Purchasing Power
2. Low Inflation
3. Stable Inflation Purchasing Power

کاملاً انعطاف‌پذیر در نظر می‌گیرد به نحوی که در صورت افزایش قیمت یک کالا، بلافاصله قیمت کالایی دیگر کاهش یافته تا سطح کل مخارج برابر با حجم پول گردد. ۴) تورم را براساس عوامل بنیادین (رشد نقدینگی) تحلیل می‌کند و نسبت به عوامل انتظاری و فعال شدن انتظارات تورمی (با تأثیرگذاری از کانال افزایش سرعت در گردش پول) غافل است.

وی تأکید کرد: فشار اقتصادی و معیشتی که این روزها عمده مردم بالاخص دهک‌های پایین درآمدی با آن مواجه هستند ناشی از حداقل سه متغیر است که تورم (افزایش سطح عمومی قیمت‌ها) ملموس‌ترین آن‌هاست. طی یک دهه گذشته درآمد سرانه هر ایرانی به طور متوسط ۳۷ درصد کاهش پیدا کرده است. نرخ تورم در ۵ ساله اخیر متوسط حدود ۴۰ درصد بوده و ضریب جینی به بالای ۰.۴ رسیده است. یعنی همزمان با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، هم یک اقتصاد کوچک شده است و هم سهم افراد به شکل نامتوازن تغییر کرده است. پس فشار اقتصادی کنونی صرفاً محصول تورم نیست، بلکه برآیند این تغییرات است که فشار معیشتی کنونی را رقم زده است.

### جلوگیری از تکانه‌های تورمی اولویت بیشتری نسبت به کاهش متوسط تورم دارد

قائدامینی ادامه داد: ساخت اقتصادی ایران به نحوی است که تولید در داخل به واردات وابسته است و در این شرایط هر شوکی که به افزایش نرخ ارز منجر شود، سمت عرضه اقتصاد ایران را کوچک می‌کند. در چنین شرایطی مسئله اصلی این نیست که تورم چگونه کاهش پیدا کند، بلکه اولویت اصلی باید جلوگیری از تکانه‌های تورمی و پیش بینی پذیر کردن تورم باشد؛ اما در حال حاضر سیاست‌هایی که اعمال می‌شود صرفاً کاهش تورم را در دستور کار قرار داده است که میتواند اثرات نامطلوبی برجای بگذارد.

وی افزود: در سال گذشته با وجود تورم ۵۰ درصدی، نرخ رشد نقدینگی ۳۰ درصد بود که نشان از یک سیاست انقباضی است که در نوع خود یک دستاورد به حساب می‌آید، ولی



نمی‌تواند هدف ایجاد ثبات و پیش بینی پذیری را در اقتصاد ایران محقق کند. بنابراین در حال حاضر ما به مجموعه سیاست‌های ثبات دهنده به نرخ ارز نیاز داریم. حتی اگر دولت بتواند نرخ رشد نقدینگی را به صفر برساند، جهش ارزی می‌تواند به رشد قیمت‌ها منجر شود و بنابراین صرف مهار نقدینگی برای ثبات بخشی به اقتصاد و مهار تورم کافی نیست. علاوه بر این باید سیاست‌هایی در مهار گردش پول و ایجاد شفافیت در گردش ریال ایجاد شود و قواعدی نیز در خصوص مهار سرعت گردش پول اعمال شود تا کانال‌های ممکن برای ایجاد شوک‌های تورمی تا جای ممکن محدود شود.

## لزوم توجه به کیفیت نقدینگی بجای تمرکز صرف بر کمیت آن

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: نکته دیگر اینکه بعد از ایجاد ثبات و پیش بینی پذیری، اولین هدف تغییر شرایط از تورم رکودی به سمت تورمی همراه با رونق است و نباید کاهش تورم به هر قیمتی به اولویت دولت تبدیل شود. برای این هدف نیز لازم است به جای محدود کردن یکباره و همه جانبه رشد نقدینگی، به هدایت اعتبارات روی بیاوریم و با برنامه مشخص نقدینگی و اعتبارات را به سمت پروژه‌های ملی و رشد آفرین سوق بدهیم. در حال حاضر شرایط توزیع تسهیلات بانکی به نحوی است که از یک طرف بخشی از منابع به جایی می‌رود که مولد نیست و در مقابل بخش‌های مولدی در اقتصاد ایران هستند که به نقدینگی نیاز دارند ولی دسترسی به منابع بانکی ندارند. بنابراین در چنین شرایطی دولت باید بر اساس هدف‌گذاری خود از رشد نقدینگی، به صورت فعالانه برای آن برنامه ریزی کند و نقدینگی را به بخش‌های مولد برساند.

## مدیریت نرخ ارز، حکمرانی ریال و هدایت اعتبار ۳ ضلع مهار پایدار تورم

قائدامینی گفت: نوسانات و تکانه‌های تورمی ما ناشی از شوک‌های سمت عرضه اقتصاد و تغییر انتظارات تورمی از کانال افزایش سرعت گردش پول رخ می‌دهد. بنابراین دولت برای مهار این نوسانات باید بجای تمرکز صرف بر رشد نقدینگی، گردش نقدینگی را از طریق اجرای «حکمرانی ریال» رصد و مهار نماید. همچنین جهت جلوگیری از وارد آمدن شوک عرضه به اقتصاد، مهم‌ترین کار «مدیریت نرخ ارز» است. گشایش‌های سمت عرضه ارز در کنار پالایش تقاضای آن از جمله گام‌های ابتدایی آن است. در ادامه جهت تبدیل تورم رکودی به تورم رونقی، به جای انقباض‌های شدید و کور باید در کنار اجرای سیاست مهار ترازنامه، به صورت هدفمند اعتبار را از بخش‌های نامولد اقتصاد به سمت بخش‌های مولدی که با کاهش اعتبار مواجه شده‌اند هدایت نماید.

### مدیریت نرخ ارز، گام زمینه‌ساز مهار تورم

وی افزود: یکی از حقایق اقتصاد ایران که بیشترین سطح ادراک و شهود عمومی درباره آن وجود دارد، تأثیر مستقیم، فوری و متناسب نرخ ارز بر سطح قیمت کلیه کالاها و خدمات است. حساسیت زیاد افکار عمومی به نرخ ارز از این منظر کاملاً قابل درک است. بخش مهمی از نهاده‌های تولید در کشور وارداتی است که هزینه تولید آن مستقیماً با نرخ ارز تعیین می‌شود. برخی محصولات وارداتی کشور نیز از نوع کالای مصرفی است که مستقیماً متناسب با نرخ ارز آزاد قیمت می‌یابند. برخی کالاهای تولید داخل در عین اینکه تولید آنها هیچ نوع ارزبری ندارد، اما امکان صادرات دارد که این به معنای تعدیل قیمت آنها با نرخ ارز بنا به منطق هزینه فرصت است. علاوه بر اثرات حقیقی فوق، نرخ ارز در ایران لنگر اسمی انتظارات تورمی نیز هست. بنابراین گام اول مدیریت نوسانات نرخ ارز است. گشایش‌های



سمت عرضه ارز در کنار پالایش تقاضای آن از جمله گام‌های ابتدایی آن است. منطبق کردن نقشه تجاری بر نقشه ارزی، تلاش برای احیای شبکه پرداخت رسمی و تبادلات دو و چند جانبه نیز از جمله گام‌های بعدی است.

## حکمرانی ریال، گام ثبات‌بخش به اقتصاد

قائدامینی گام دوم مهار تورم را حکمرانی ریال عنوان کرد و افزود: منظور از حکمرانی در حوزه ریال آن است که حاکمیت از ظرفیت‌هایی که نظام پرداخت ریالی و اطلاعات موجود در تراکنش‌های بانکی برای اداره کشور ایجاد می‌کند استفاده کند. این امر مستلزم ایجاد و تکمیل زیرساخت‌های اطلاعاتی، قوانین و قواعد در نظام‌های بانکی، مالیاتی و مبارزه با پولشویی است. به تعبیر دیگر می‌توان گفت تقویت حکمرانی در حوزه ریال می‌تواند فضای اقتصادی کشور را شفاف‌تر کرده و ظرفیت سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصادی را ارتقا دهد. افزایش شفافیت اقتصادی به تسهیل نظارت بر فعالیت‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی، جلوگیری از فرار مالیاتی و بهبود تراز بودجه‌ای، مبارزه با فساد اقتصادی، مبارزه عملی با پولشویی، رصد مبادلات و از همه مهم‌تر فراهم کردن امکان اخذ مالیات‌های تنظیمی از فعالیت‌های سوداگرانه و سفته‌بازانه که منجر به افزایش قیمت دارائی‌ها می‌شود کمک شایانی خواهد کرد.

## مهار و هدایت اعتبارات، گام پیش‌برنده در مهار پایدار تورم

وی در پایان گفت: زمانی که اقتصاد از نحیف بودن تولید رنج می‌برد و از ناحیه عرضه دچار شوک می‌شود باید بجای انقباض کور نقدینگی، ضمن سخت‌گیری بر رفتار بانک‌ها و مؤسسات مالی، با اعمال مجموعه قوانین تشویقی و تنبیهی منجر به هدایت اعتبار به بخش‌های مولد شود. یعنی نیاز است تا مهار کیفی ترازنامه بانک‌ها جایگزین سیاست مهار

کمی ترازنامه شود. البته هدایت اعتبار به معنای پول‌پاشی کور نیست. اجرای موفق سیاست هدایت اعتبار الزامات و شرایطی دارد از جمله: «اراده سیاسی قاطع، وجود یک سیاست صنعتی مشخص، وجود یک بانک مرکزی قدرتمند و مقتدر، طراحی سازگار انگیزشی برای بازیگران، نظام نظارتی قوی و از همه مهمتر ارتقای حکمرانی ریال که در بخش قبل به آن اشاره شد تا از انحراف اعتبارات جلوگیری نماید». رها کردن نهاد اعتبار زمانی که کشور در معرض انواع شوک‌های سیاسی و اقتصادی قرار دارد صرفاً کمک کردن به تعمیق و تشدید سیکل‌های تورم و رکود است.



## گزارش تصویری





اولین نشست از سلسله نشست تخصصی  
«تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها»

عنوان:

# سیاست‌گذاری مهار تورم در مختصات اقتصاد ایران



**حسین درودیان**  
اقتصاددان و مدرس اقتصاد  
دانشگاه تهران



**میرهادی رهگشای**  
کارشناس اقتصادی و  
سرپرست رسانه تخصصی مسیر اقتصاد



**سید علی مدنی‌زاده**  
اقتصاددان و عضو هیئت علمی  
دانشگاه صنعتی شریف

برگزار کنندگان:



خانه اندیشه‌ورزان

LIVE

[Rubika.ir/masireqtasad](http://Rubika.ir/masireqtasad)  
[Aparat.com/masire.pishraft/live](http://Aparat.com/masire.pishraft/live)



ساعت  
۱۶:۳۰ الی ۱۹



چهارراه ولیعصر (عج)  
خانه اندیشه‌ورزان ایران



یکشنبه  
۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲

[www.Mett.ir](http://www.Mett.ir)

[@masirepishraft](https://www.instagram.com/masirepishraft)





دومین نشست از سلسله نشست تخصصی

«تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها»

عنوان:

# جایگاه سیاست‌های پولی و ارزی در مهار تورم



**حسن حسن خانی**  
کارشناس مسائل اقتصادی



**مجید شاکری**  
کارشناس مسائل اقتصادی



**سید محمدرضا موسوی**  
کارشناس پول و بانک اندیشکده  
اقتصاد مقاومتی (دبیر نشست)



**میثم خسروی**  
مدیر گروه پول و بانکی  
مرکز پژوهش‌های مجلس

برگزار کنندگان:



**LIVE** [Aparat.com/masire.pishraft/live](https://Aparat.com/masire.pishraft/live)



ساعت  
۱۶ الی ۱۸:۳۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی



سه‌شنبه  
۲ خرداد ۱۴۰۲

[www.Mett.ir](http://www.Mett.ir)

[@masirepishraft](https://www.instagram.com/masirepishraft)





سومین نشست از سلسله نشست تخصصی

«تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها»

عنوان:

# بررسی عملکرد و برنامه‌های دولت در مهار تورم



**مجید کریمی**  
مدیر کل دفتر مطالعات  
بازارهای مالی وزارت اقتصاد



**پونس سلمانی**  
معاون هماهنگی و محیط کسب و کار  
وزارت صمت



**سید مهدی حسینی**  
کارشناس اقتصاد کلان



**سعید فتحی**  
کارشناس اقتصادی  
(دبیر نشست)



**علی بهادر**  
کارشناس اقتصادی

برگزار کنندگان:



LIVE

[Aparat.com/masire.pishraft/live](https://Aparat.com/masire.pishraft/live)  
[Rubika.ir/masireqtesad](https://Rubika.ir/masireqtesad)



ساعت  
۱۵ الی ۱۸



وزارت امور  
اقتصادی و دارایی



سه‌شنبه  
۹ خرداد ۱۴۰۲

[www.Mett.ir](http://www.Mett.ir)

[@masirepishraft](https://t.me/masirepishraft)





چهارمین نشست از سلسله نشست تخصصی

«تورم؛ ریشه‌ها و راهکارها»

عنوان:

# اولویت‌های سیاستگذاری در مهار تورم



**محمدطاهر رحیمی**  
کارشناس اقتصادی



**مهدی دارابی**  
کارشناس  
مرکز پژوهش‌های مجلس



**محمدفاندامینی**  
کارشناس گروه پول و بانک  
انديشكده اقتصاد مقاومتی



**پوریا فتاحی**  
کارشناس اقتصادی

برگزارکنندگان:



**LIVE**

[Aparat.com/masire.pishraft/live](http://Aparat.com/masire.pishraft/live)

[Rubika.ir/masireqtesad](http://Rubika.ir/masireqtesad)

[b2n.ir/earcc](http://b2n.ir/earcc)



ساعت

۱۶ الی ۱۸:۳۰



پژوهشکده امور اقتصادی

وزارت امور اقتصادی و دارایی



سه‌شنبه

۳۰ خرداد ۱۴۰۲

[www.Mett.ir](http://www.Mett.ir)

[@masirepishraft](https://www.instagram.com/masirepishraft)







مهم این است که بتوانیم تورّم را مهار کنیم، تولید هم به رکود نینجامد، تولید رشد پیدا کند؛ و این ممکن است. اینکه میگوییم ممکن است، حرف من نیست، حرف کارشناس‌های اقتصادی است که به ما میگویند، اثبات میکنند، استدلال میکنند، دلیل می‌آورند؛ میتوانیم قبول کنیم حرفشان را. اگر چنانچه تلاش انجام بگیرد، تلاش خوب و [کارها] با جدّیت دنبال بشود میتوانیم این شعار «مهار تورّم و رشد تولید» را عملیاتی کنیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۵ فروردین ۱۴۰۲

